

خشم فقیهانه از آیات شیطانی

خودشان را آماده کرده بودند که اظهار تاسف سلمان رشدی را بعنوان "پیروزی بزرگ امام و امت" (از نوع پیروزی در قضیه گروگانها و پیروزی در جنگ) به خورد حزب الله بدهند. یکی حتی از این "توفیق" آنقدر دستپاچه شد که زودتر از اینکه اذنش از دربار برسد، خبر پذیرش توبه آن ملعون را از خبرگزاری و رادیو پخش کرد. یارو را خیلی زود سر جایش نشاند و گفتند یک فلتی کرده، نظر امام همان اعدام است.

کتاب "آیات شیطانی" در سپتامبر ۱۹۸۸ منتشر شد و نخستین واکنش‌ها را، اندکی بعد در خود انگلیس برانگیخت. آخوندهای محیم انگلیس، تلاش زیادی کردند که دولت تاجر، این کتاب را ممنوع کند. در کشورهای سرمایه‌داری، هنوز قانون منع "کفرگویی" وجود دارد، اما این قانون فقط شامل "اهانت" به مسیح و دین او است و تازه آن هم دیگر هملا اجرا نمی‌شود. سطح رشد فرهنگ عمومی در این کشورها اجازه نمی‌دهد دایره شمول این قانون را که خود، در همین حد موجودش هم بازمانده‌ای از تاریخ تاریک گذشته است، گسترش دهند. از این رو، تلاش حزب الله انگلیس برای جلوگیری از ادامه انتشار کتاب نافرجام ماند. بته در صحنه ۹

آیات شیطانی چه کتابی است؟

در صحنه ۹

مصاحبه‌ای با سلمان رشدی

"من کتاب خود را برای آخوندها ننوشته‌ام"

در صحنه ۸

"سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد بر هر مسلمان واجب است با جان و مال، تمامی هم خود را به کارگیرد تا او را به درک واصل گرداند." این کلام صریح "آقا"، آب پاکی را روی دست رئیس‌جمهورش و بقیه اراذل ریخت. خامنه‌ای به امت نماز جمعه گفته بود هذرخواهی نویسنده آیات شیطانی، مقبول درگاه جماران خواهد بود. وقتی در آخرین ساعات یکشنبه ۳۰ بهمن، خلیفه فرتوت، حرف آخرش را زد، فقط خامنه‌ای نبود که سنگ روی یخ شد. بسا حضرات "واقع بین" که انگشت به دهان گزیدند که باز این پیرمرد کار دست ماداد.

دستگاههای تبلیغاتی در کدام شیپور بنوازند، رابطه با همسایگان و خاصه جهان عرب چگونه تنظیم شود، سطح رابطه با جهان قرب و نیز اتحاد شوروی چگونه باشد، و بالاخره در سیاست خارجی و نیز روابط اقتصادی خارجی چه هدفی دنبال گردد. جنگ که پایان یافت این عامل اساسی کنار رفت و بحرانی را پدید آورد که هم در فقدان این عامل و هم در آثار این عامل ریشه داشت. جنگ هشت ساله، نقش یک عامل تنظیم‌کننده (رگولاتور) را ایفا می‌کرد. نبود آن حتی نظام ارزشگذاری حکومت را دچار اختلال ساخت. جنگ متوقف شد، اما آثار آن پابرجا ماندند: اقتصادی ویران، کشوری بته در صحنه ۲

تعیین راه و روش حال و آینده جمهوری اسلامی

نخست توضیحی در مورد عنوان این مقاله: با گفتن این که مضمون پیام سوم اسفند/خیمینی تعیین راه و روش حال و آینده جمهوری اسلامی است، بلافاصله این پرسش مطرح می‌شود که: مگر رژیم اسلامی راه و روش روشنی نداشت که پیام تازه‌ای از جماران نازل شد، تا حکومتگران بدانند بر چه سیاقی باید حکومت کنند؟ رای و روش حکومتگران به دلیل ماهیت و روش حکومتگران به دلیل ماهیت روشن است و روشن بوده است. این پیام بدین لحاظ چیزی را تعیین نمی‌کند. خود پیام از تعیین برمی‌خیزد که همانا حکومت فقه و فقه و ماهیت ضد مردمی آن است.

هدف پیام تازه، پاسخگویی به بحران ویژه‌ای است که جمهوری اسلامی پس از آن که خیمینی جام زهر آگین صلح را سر کشید، بدان دچار شد. تا قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، جنگ عاملی اساسی در تعیین راه و روش حکومتگران بود. جنگ از یکسو بحران پدید می‌آورد و به بحران‌ها دامن می‌زد. در همه همره‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - و از طرف دیگر خود مشخص می‌کرد که به بحران‌ها چگونه پاسخ داده شود. جنگ مشخص می‌کرد که بودجه باید چگونه تقسیم شود، دستگاه نظامی چه مشغولیتی داشته باشد، برای حزب الله چه وظایفی تعیین گردد، یک مبنای مهم اتحاد جناح‌های حکومتی چه باشد.

در این شماره

یاد تو ماج و هم‌زمان گرامی باد

در صحنه آخر

رژیم فقها، خشن‌ترین شکل تبعیضات مذهبی را اعمال می‌کند

در صحنه آخر

انقلاب فرانسه، سرآغاز عصری جدید

در صحنه ۱۱

افشای تبهکاریهای رژیم خونخوار خیمینی را پی گرفت. برای مردم بلاکشیده میهن ما، درنگ ایرانیان مقیم خارج، پذیرفتنی نیست.

طنین فریاد مرگ بر خیمینی جلاد سترباد.

افشای این جنایت هولناک رژیم فقه‌صورت گرفت، اثر نیرومندی در بسیج افکار عمومی جهان برجای گذاشت. چه بخاطر بعد فاجعه و چهار اینرو که اکنون خیمینی بخاطر دعوت آشکار به ترور، در مرکز توجه رسانه‌ها قرار دارد، باید هر چه پدیده‌تر

تظاهرات، اعتصابات و افشاگریهایی که در خارج از کشور همزمان با کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران آغاز گردید، در گوشه و کنار جهان ادامه دارد. حرکتی که توسط ایرانیان مقیم خارج، سازمانها و احزاب سیاسی و تشکلهای دموکراتیک در



صحنه‌ای از تظاهرات گروهی از ایرانیان مقیم رم - ایتالیا در برابر سفارت رژیم جمهوری اسلامی

پیام تازه خمینی:

تعیین راه و روش حال و آینده جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

جنگ زده، یک توده وسیع دافدار، و بالاخره حزب الله ناکام، بنابر برآورد متخصصین اقتصاد ایران، برای این که اقتصاد کشور بتواند نفس بگیرد، سالانه به ۱۵ میلیارد دلار نیازمند است (نیورزیک - ۲۷ فوریه ۱۹۸۹). این رقم وقتی با توان اقتصادی فعلی حکومت فقها سنجیده شود، نشان میدهد که فقها در عرصه اقتصاد با چه مشکلات عظیمی مواجه اند؛ و این تازه یک عرصه است.

با پایان جنگ حزب الله دچار اختلال روانی شد و اعتماد به نفس خود را از دست داد. حتی رابطه امام با امتش دچار بحران گردید. حال چه باید کرد؟ این پرسش به شدت اذهان همه دولتمردان را تحت فشار قرار داده بود:

- آیا باید شعارهای جنگی را به تمامی کنار نهاد؟

آیا باید صدور انقلاب اسلامی را به دست فراموشی سپرد؟

آیا باید "عاقل" تر شد و "مصلحت ها" را در نظر گرفت؟

چگونه باید از "انزوا" به در آمد؟

در سیاست بین المللی چه روشی را باید پیشه کرد؟

روابط اقتصادی با غرب را تا چه حد گسترش داد؟ برای امتیاز گرفتن چقدر باید امتیاز داد؟

چرا نباید با آمریکا تجدید رابطه کرد؟

آیا باید به حالت جنگی در داخل پایان داد؟

اولویتهای اقتصادی کدامند؟ نقش سرمایه های خصوصی تا به کجاست؟

آیا باید از خارج وام گرفت؟

"تعهد" مقدم است یا "تخصص"؟ نظام ارزشیابی چیست؟

با نارضایتی توده ای چه باید کرد؟ بیشتر از این باید کشت؟

کلا با آینده تیره و تاریک و بیم انفجارهای توده ای چه باید کرد؟

برای اختلافات درون حکومت چه چاره ای باید اندیشید؟

چگونه باید نیروی حمایتگر خود را در حالت بسیج نگه داشت و حزب الله را "شارژ" کرد؟

همچنان می توان بدین فهرست افزود. در حکومت هر کسی برای این پرسش پاسخهای خودش را داشت. از دهان دولتمردان بسی پاسخهای متناقض شنیده میشد. خلیفه چهارم خط معینی را ارائه نمی کرد، بندبازی های خود را بین جناحهای مختلف ادامه میداد و مدام خطبه وحدت می خواند. اما تکیه جایی رسید که هرکس ساز خود را می زد. در این میان منتظری هم نواهای خاصی سر داده بود. و نیز شایعاتی پخش می شد تا حد سپردن مقام نخست وزیری به عزت الله سبحانی.

با این مقدمه، باید منظور ما از تعیین "راه و روش" روشن شده باشد. از مدت ها قبل گفته می شد که خمینی در ۲۲ بهمن خط نهایی را به امتش خواهد داد. خمینی "طبق معمول سنواتی" برای سالگرد انقلاب، پیامی نرستاد. هلتش مشخص نیست. اما بالاخره پیام نازل شد و نزول آن ربط بنیادی به قضیه "سلمان رشدی" ندارد. این قضیه، شاید کارکردی انگیزشی داشته باشد، چرا که به هر حال آنچنان که در پیام خود خمینی مستتر است نحوه برخورد با آن محکی بود برای سنجش عیار "راست آئینی" (پایبندی ارتدکسان به اصول) و "مصلحت" (پراگماتیسم) در باور حکومتیان.

مضامین پیام

مخاطب پیام ۳ اسفند خمینی، جهات آخوند است. بخش اول پیام به توصیف و تمجید از آخوندها اختصاص دارد. در آن ادعای می شود که "روحانیون دستشان با سرمایه دارها یک کاسه نیست" و بالاخره این که "کتاب آیات شیطانی کاری حساب شده برای زدن ریشه اسلام و روحانیت است". در ادامه به مقدس مآب های احمق و "حجتیه ایها" حمله می شود و نیز ذکری از "شریعتمداری" به میان می آید. در همین قسمت نسبت به خطی که می گوید "دین از سیاست

حداست" بشدار داده می شود، گفته می شود که "این شعار در حوزه علمیه کارگر شده است" و "باید توجه داشت که این تفکر در طلاب جوان نفوذ نکند". بخش بعدی پیام اشارات روشنی به سخنان منتظری به مناسبت ۲۲ بهمن دارد (به صفحه ۴ مراجعه کنید). خمینی در این بخش از پیام خود شدیداً به کسانی که می گویند "انقلاب در اصول و اهداف خود موفق نبوده" حمله ور شده و می گوید: انقلاب اسلامی در اکثر اهداف خود موفق بوده است و "حتی در جنگ پیروزی نصیب ما گردید". "ما انقلابان را در جنگ به جهان صادر کردیم، جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام نشدنی است". خمینی در اینجا کسانی را که می گویند "در جنگ به هدف نهایی خود نرسیده ایم"، کوته نظر نامیده و تاکید میکند "ما در جنگ یک لحظه نیز نادم و پشیمان نیستیم".

خمینی در پیام خود هلت "تحلیلهای غلط این روزها را" کسب "رضایت چند لیبرال خود فروخته" می داند و موکداً می گوید "نباید این احساس در حزب الله ایجاد شود که گویا نظام از مواضع خود عدول کرده است". خمینی در ادامه ضمن انتقاد از "بعضی تصمیمات اولیه در دادن پست ها به کسانی که به اسلام ناب محمدی اعتقاد نداشتند" و این که "ما هنوز چوب اعتماد خود به گروه ها و لیبرال های ما را می خوریم" با تاکید ویژه ای می گوید: "تا من بستم نمی گذارم حکومت به دست لیبرال ها بیفتد".

خمینی در همین بخش از پیام خود به بحثی که در دستگاه حکومتی حول دادن باصطلاح "هجو همومی" به ایرانیان مقیم خارج از کشور" جریان دارد اشاره کرده و تاکید می کند: "افشور برای بازگشت باز است، اما کسی نباید طلبکار باشد" و مثلاً روی اعدامها "ایراد بگیرد". "احکام الهی نباید زیر سوال برود".

بخش بعدی پیام به قضیه اختلاف بر سر "نقه سنتی" و "نقه اجتهدی و پویا" اختصاص دارد.

خمینی در این قسمت می گوید "نقه، تئوری هدایت جامعه از نمونه تانگوراست". وی در این قسمت ابتدا از "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" به عنوان مدافعین نقه سنتی تمجید کرده و از "طلاب انقلابی" می خواهد وحدت خود را با آنها حفظ کنند. خمینی در این بخش از پیام ضمن تاکید بر این که "همه جناحها را فرزند خود میدانم" می نویسد "این جانب معتقد به نقه سنتی و اجتهد جواهری هستم". در ادامه مفهوم "اجتهد" را برجسته کرده و می نویسد باید به دو عنصر زمان و مکان توجه داشت و در نظر گرفت که "موضوع جدید حکم جدیدی را می طلبد".

بخش بعدی پیام خمینی خط سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تعیین می کند. خمینی در این قسمت ابتدا به تصمیم اخیر کشورهای عضو بازار مشترک اروپا مبنی بر فراخواندن سفیرانشان از ایران حمله ور شده و سپس ضمن اشاره ای مجدد به ماجرای "سلمان رشدی" می نویسد: "ضرورتی نیست که دنبال روابط گسترده باشیم". وی در این قسمت مجدداً کسانی را که می گویند "شعارهای تند در جنگ باعث انزوا شده است" ساده اندیش خوانده و به شدت بداندان می تازد. خمینی در بخش آخر پیام خود از آخوندها می خواهد بیشتر مسئولیت بگیرند و به بهانه درس حوزه ای، از گرفتن مسئولیت دولتی خاصه در دستگاه قضایی، خودداری نورزند.

در این پیام جای جای به ضرورت حفظ وحدت در دستگاه حکومتی و فرمانبرداری از مسئولین اشاره شده و بشدار داده می شود که اگر بحران بالا گیرد: "شبی تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هایل".

تا چه حد تکلیف

حکومتگران روشن شد؟

پیام خمینی در درجه نخست بر روی جایگاه ویژه روحانیت و نقه در حکومت اسلامی تاکید دارد. خمینی در این پیام همچنان بر روی پایه تعام ارز شگذاری ها و ارزشیابی ها در حکومت اسلامی تاکید کرده و وجه فقه ایتی حکومت و ضرورت حفظ و استمرار این وجه از دستگاه حاکمه را برجستگی خاصی می بخشد. او می گوید که

تمام وجوه دیگر باید تحت الشعاع این وجه ممیزه حکومت اسلامی باشند. چنین تأکیدی، تازه نیست و اصولاً چنین تأکیدی مشخصه اساسی "خط امام" است. خمینی می گوید همه مصلحت طلبی ها باید در چارچوب این وجه بنیادی باشند. در نظر گرفتن مصلحت ها مجاز است و سنت "اجتهاد جواهری" است، اما تا جایی که حریم و حرمت "نقّه سنتی" حفظ شود. آیا این امر به اختلاف دو جناح طرفدار "نقّه سنتی" و "نقّه پویا" پایان می دهد؟ نه چندان. حال این مساله پیش می آید که سخنان ولی فقیه را چگونه باید تفسیر کرد. امامت خمینی، با این پیام اندکی از بلا تکلیفی فقهی خارج شد. خمینی در بحث بر سر دو گونه فقه، جانب و سطر ا گرفت و میدان بیشتری برای کسانی چون رفسنجانی باز کرد. البته با این پیام، رفسنجانی و خامنه ای تا حدودی از "مصلحت طلبی" های خود خواهند کاست و بویژه در زمینه سیاست خارجی بیشتر "احتیاط فقهی" را در نظر خواهند گرفت.

خمینی در زمینه سیاست خارجی، در دهوایی که خاصه بین وزیر خارجه و وزیر کشور جریان داشت، بیشتر خط وزارت خارجه را زیر ضرب برد و روشن ساخت که حکومت اسلامی نباید هدف اصلی خود را "روابط گسترده تر" بگذارد.

با پیام خمینی برخی پزهای لیبرالی دولتمردان جمهوری اسلامی پایان می گیرد و در این رابطه خاصه منتظری حساب کار خود را می کند، چنان که کرد و ضمن این که به روی خود نیارد که خمینی او را به خاطر "کوتاه فکری" مورد ملامت قرار داده است، پیام پشتیبانی از پیام خمینی صادر کرد. با این پیام رهبری، دولتمردان دریافته اند که نباید به رهنمودهای قائم مقام رهبری و قعی بگذارند و دیگر نباید وی را به بازی گیرند.

حکومتگران دریافته اند که باید تبلیغات خود را چربتر کرده و حزب الله را در حالت بسیج نگه دارند. خمینی آنها را بیشتر متوجه ضرورت رعایت حال پایگاه

حمایتی شان کرد و خاصه بدانان خط داد که در نیروهای جنگی، احساسات جنگی را تقویت کنند و آنها را از افشاش روانی پس از آتش بس در آورند. با این پیام بحث "تعهد یا تخصص" تا مدتی فرو می خوابد و "متعهد" بر "متخصص" ترجیح داده میشود. تا این حد پیام ۱۳ اسفند خمینی، حکومتگران را از بلا تکلیفی در آورد. اما این به هیچ روه معنی برون آوردن آنها از بحران نیست.

بحران تشدید می شو

پیام خمینی به مردم و هغه فقه بیشتر، اسلام بیشتر، آخوند بیشتر استبداد بیشتر و فلاکت بیشتر می دهد؛ نتیجه آن نفرت بیشتر و خشم بیشتر مردم است. خمینی به دولتمردان می گوید با اسلام بیشتر و سرکوب بیشتر به جنگ "بیم موج و گرداب هایل" بروند.

پیام خمینی جلوی تلاشهای مذبوحانه مصلحت طلبانه در حکومت فقه را می گیرد. این تلاشها، دست و پا زدنهایی هستند برای انطباق دادن اسلام بر حکومت در یک جامعه سرمایه داری به شدت بحران زده. این تلاشها، مصلحت جویی های مذبوحانه ای هستند برای مهار زدن بر بحران. خمینی ضمن توجه به مصلحت های، از مصلحت طلبان خواست تند شوند و از خط فکاهت دور نگردند. با این پیام نه تنها از اختلافات جناحهای حکومتی کاسته نمی گردد، بلکه بر ابعاد آن افزوده می شود. خمینی اعلام کرد که همه جناحها را فرزند خود می داند، بنابر این، بحث پیش می آید که چرا یک جناح باید خود را نور چشمی تصور کند. طبیعی است که جامعه مدرسین سهم بیشتری خواهد خواست و پیروان فقه سنتی در دستگاه، صدایشان را بلندتر خواهند کرد.

حزب الله، اکنون "شارژ" شده و باید بداند که بر سر چه باید شمار دهد. این چند هفته نوبت "سلمان رشدی" است، بعد چه؟ پیام خمینی مشکلات روابط سیاسی و اقتصادی خارجی جمهوری اسلامی را بیشتر کرد. با دفاع خمینی از جنگ بی سرانجام،

حتی ممکن است مذاکرات صلح بیشتر مختل گردد و مسائل تازه ای در این مسیر پدید آید.

بحران تشدید می شود، در همه جهات و در همه ابعاد.

خمینی ناچار است مدام مطلقیت ولایت خود را بیشتر کند، اگر تسامحاً کاربرد صفت تفضیلی در مورد وی را درست بدانیم، می توانیم بگوییم، او سر چه می گذرد مستبد تر و هار تر می شود. این امر هم رابطه دولت - جامعه را انفجاری تر می کند و هم روابط درون حکومتی را.

جماران اکنون چنان بر سر دولت سنگینی می کند که با تخته شدن در آن با مرگ خلیفه، هیچ وزنه ای قادر به ایفای نقش آن نخواهد بود، خاصه اگر وزنه جانشین نخواهد منتظری باشد.

جمهوری اسلامی اکنون بسی بی آینده است. پس از آتش بس این گمان دارای ریشه های واقعی، تشدید شده بود که رژیم کوشش خواهد کرد در گسترش رابطه با غرب و نوعی "عقلانیت"، چاره ای برای بی فرجامی خود

بیابد. این کوششها دست کم در این دور به فرجام نرسیدند. پیام خمینی نقطه پایان یک دور بحث و کلنجار در درون حکومتگران است. ما از این امر خرسندیم. خرسندیم که جمهوری اسلامی نمی تواند از یکسو هزار هزار بکشد و از سوی دیگر پز لیبرالی بگیرد. مصلحت طلبی ها

فرصت طلبی ها میدان می داد و اگر چه قادر نبود خشم توده ای را مهار کند، اما ممکن بود از یکسو جمهوری اسلامی را با گسترش روابط خارجی اش اندکی هم شده تقویت کند و از سوی دیگر در داخل توهماتی پدید آورد. نیروهای انقلابی می کوشند هر چه بیشتر چهره ضدمردمی رژیم را افشا کنند و طبیعتاً خرسند خواهند بود اگر رژیم چهره کریهش را بیشتر در معرض دید بگذارد و جایی باقی نماند تا نقاب بر چهره زند.

پیام خمینی، پیام بی آیندگی رژیم است. به استقبال آینده برویم: به استقبال "شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل" که سر نوشت محتوم رژیم است.



پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

انتخابات ریاست جمهوری مردادماه برگزار می شود

خبرگزاری دولتی به نقل از وزارت کشور اعلام کرد که انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی روستاهای سراسر کشور در مردادماه سال ۸۶ برگزار خواهد شد.

از نظر هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای از هم اکنون معلوم است که چه کسی باید رئیس‌جمهور بعدی باشد. خامنه‌ای که بیش از ۵ ماه به پایان ریاست جمهوری وی باقی نمانده است، هاشمی رفسنجانی را جانشین آتی خود می‌داند و گفته است که همه نگاه‌ها برای احراز پست ریاست جمهوری متوجه اوست. شخص رفسنجانی نیز به خبرنگار تلویزیون فرانسه در زمینه کاندیداتوری انتخابات ریاست جمهوری گفته است: «من هنوز به نقطه تصمیم نرسیدم که کاندیدایی ریاست جمهوری خودم را اعلام بکنم ولی ظواهر چنین نشان می‌دهد که داریم به همان جایی رسیدیم که من نامزد بشوم».

نمضت آزادی برای انتخابات هنوز کاندیدایی تعیین و معرفی نکرده است ولی طبق اظهارات «یزدی» قرار است: «نمضت آزادی در انتخابات ریاست جمهوری و هر انتخاباتی که در شرایط آزاد برگزار شود، شرکت کند».

اما، وزیر اطلاعات و ساواک جمهوری اسلامی حجت‌الاسلام ری شهری، از هم اکنون صلاحیت نمضت آزادی را برای کسب اجازه فعالیت سیاسی حتی در چارچوب قانون اساسی و پذیرش و تبعیت از اصل پنجم آن یعنی ولایت فقیه، رد کرده است. ری شهری روز چهارشنبه ۲۶ شهریور به خبرنگاران گفته بود: «به نظر من اعضای نمضت صلاحیت تشکیل حزب و گروه را ندارند» و اضافه کرد: «صبر و حوصله نظام با این افراد سودی نداشته و اگر باز هم بخواهند لجاجت کنند فکر می‌کنم نظام قاطعانه با آنان برخورد خواهد کرد».

سخنان منتظری در روز ۲۲ بهمن

کنند، وقتی که کار به جایی برسد که صحبت من طلبه که از اول در انقلاب بوده‌ام و دلسوز انقلاب بودم و هستم سانسور شود وای به حال دیگران. این معنی ندارد که دو یا سه نفر تصمیم گیرنده باشند و برای همه تصمیم بگیرند».

منتظری در بخش دیگری از سخنان خود به تلاشهای ناموفق جمهوری اسلامی در قبال مهاجرین ایرانی مقیم خارج از کشور اشاره کرد و نمونه‌ای از برخورد مأمورین ساواک را در گمرکهای مرزی تشریح نمود. منتظری گفت: «موضوعی که چهار، پنج سال است من مطرح می‌کنم و خدمت امام هم گفته‌ام و در مورد آن نامه‌هم زیاد داشته‌ایم اینست که افرادی که در خارج هستند وحشت زده‌اند... اگر بگوییم در فرودگاه از افراد تخلیه اطلاعاتی کنیم افرادی که در خارج هستند می‌ترسند و نمی‌آیند، راهش این است که سفارتخانه‌ها و کنسولگریها در مورد ایرانیان بررسی کنند و اگر نیرو ندارند از اینجا کمک فرستاده شود. افرادی که مایلند بیایند به سفارتخانه‌ها مراجعه کنند و وقتی آنها بررسی کردند و متوجه شدند واقعا می‌خواهند به ایران بیایند و ردگی کنند یک تعهد هم بگیرند و از فرودگاه به خانه بروند. نخواهیم بیاییم در فرودگاه و از او احوالپرسی کنیم».

روز چهارشنبه سوم اسفند پیام خمینی که بخشی از متن آن متوجه اظهارات منتظری است، انتشار یافت و در روز پنج‌شنبه ۱۰۵ تن از نمایندگان مجلس دسته‌جمعی به قم رفتند و با منتظری دیدار کردند. وی به نمایندگان مجلس تاکید کرد که مسایل خود را با خود خمینی در میان بگذارند.

روز شنبه ۶ اسفند پیامی توسط منتظری منتشر شد. در این پیام منتظری ضمن حمایت از پیام اخیر خمینی، از وی خواست که هیاتی را مأمور رسیدگی به فعالیت دستگاه اداری و قضایی کشور کند تا آنان با بررسی عملکردهای دستگاه قضایی خمینی را در جریان امور قرار دهند.

«ما در جنگ خیلی اشتباه کردیم و خیلی جاها مجبازی کردیم و شعارهایی دادیم که می‌دانستیم نمی‌توانیم آن را انجام دهیم. شعارهایی دادیم که دنیا را از خودمان ترساندیم و فکر کردند که در ایران ما مردم را می‌کشیم... برای یک نوع کارهایی که فلتا انجام شده، ماهمه کارهایمان درست نبود».

مطلب فوق بخشی از سخنرانی منتظری در روز ۲۲ بهمن در جمع اعضای سپاه، بسیج، خانواده شهدا و... در قم است. منتظری در ابتدای سخنرانی خود تلویحا به گسترش نارضایتی اقشار و گروه‌های مختلف مردم نسبت به رژیم اشاره کرد و یادآور شد که باید به این تحولات توجه کرد. وی گفت: «آن اجتماعات، تظاهرات و راهپیمایی‌هایی که در شهرها بود و فیلمهای آنها را می‌بینیم دقت کنید که در آنوقت چه روحیه‌ای حکمفرما بود و چه عناصری در جامعه بودند. چه جوانها و امکانات و منابع اقتصادی وجود داشت. اینها را بررسی کنیم که چه هماهنگی‌ها، فداکاری‌ها، ایثارها و گذشتگی‌ها بود... ببینیم این وحدتها و ایثارها چه شده‌است. باید حساب کنیم در ظرف این دهسال که جنگ را به ما تحمیل کردند آیا جنگ را خوب طی کردیم یا نه دشمنان ما که این جنگ را تحمیل کردند آنها پیروز از کار در آمدند... باید اینها بررسی شود و ببینیم اگر اشتباهی کرده‌ایم اینها توبه دارد و اقلا متنبه شویم که بعدا تکرار نکنیم. چقدر در این مدت شعارهایی دادیم که فلتا بوده و خیلی از آنها ما را در دنیا منزوی کرد و مردم دنیا را به ما بدبین کرد و هیچ لزومی هم برای این شعارها نداشتیم. گفتیم همین است که ما می‌گوییم بعد هم فهمیدیم که اشتباه کرده‌ایم، باید بفهمیم که اشتباه کرده‌ایم».

در ادامه همین سخنان، منتظری تصریح کرد که حتی اظهارات و نوشته‌های خود وی نیز در رادیو و تلویزیون و مطبوعات سانسور می‌شود. منتظری گفت: «روزنامه‌ها یک خط خاصی نباشند. رادیو و تلویزیون در دست چند نفر انحصاری نباشد که هر جا را خواستند سانسور

سیب زمینی کیلویی ۴۵۰ ریال

به نوشته روزنامه‌های دولتی، با افزایش تدریجی قیمت سیب زمینی و نایابی آن در اکثر شهرهای کشور، بهای هر کیلو سیب زمینی در تهران به ۳۰۰ ریال و در سطح شهر شیراز به ۳۵۰ تا ۴۵۰ ریال رسید. گرانی قیمت سیب زمینی و افزایش مداوم آن باعث شده این محصول که یکی از اقلام اصلی غذای خانواده‌های کم‌درآمد را تشکیل می‌دهد، مانند بسیاری از کالاهای دیگر از دسترس مردم خارج شود.

بر اساس گزارشهای رسمی اقتصادی طی ماه گذشته قیمت تخم مرغ از کیلویی ۶۰۰ ریال به حدود ۷۰۰ ریال و قیمت هر کیلو پنیر تولید داخلی به علت عدم اعلام کوبین جدید از ۱۶۰۰ ریال به ۲۲۰۰ ریال رسید. دستمزد کارگر ساختمانی و کارگر ساده در همین دوره ۲۵۰۰ ریال بود.



برف و بوران شدید در نقران و دیگر مناطق کشور در حالی که نفت حکم کیمیا را یافته است

دور از میهن

یکی از پناهندگان ایرانی مقیم یونان، در نامه‌ای برای نشریه، به تشریح وضع پناهندگان سیاسی در این کشور پرداخته است. در این نامه می‌خوانیم:

”مدتها بود که می‌خواستیم برایتان درددلی از سرناچاری و نیاز بکنم. ولی مجالی دست نمی‌داد. تا اینکه فرصتی فراهم شد و این سطور رزم خوردم.

باید بگویم یونان برای پناهنده‌ها در حکم یک کشور ترانزیت و عبوری است. پناهنده‌ها چه از طریق قانونی و چه از راه قاچاق و از مرز ترکیه وارد این خاک می‌شوند. البته تا سه چهار سال پیش اینگونه خیل پناهنده‌ها و آواره‌ها به این خطه سرایز نشده بود. ولی بهر حال برای آنها که در اسامور پناهنده‌ها نشسته‌اند (منظور در یونان) و دفتر دستک و اتاق و تلفنی دارند، دکان و بازار چپاول بدی نیست. طبق قوانین مصوبه که یونان هم آنرا پذیرفته، می‌بایست هر پناهنده پس از اتمام مدت (۱۸) ماه ماندگاری در این کشور از طریق نوبت و مصاحبه در یکی از سفارتخانه‌های آمریکا، استرالیا، کانادا و نیوزلند پذیرفته شده و به مقصد فرستاده شود.

برای آنکه مطلب روشن‌تر بیان شود مجبورم به عقب برگردم. زمانی که ما در گروه‌های

متعدد با دادن پولهای گزاف و درواقع هستی و نیستی‌مان به قاچاقچی‌ها شانه‌ها دلبره و هزار مخاطره به خاک یونان وارد شدیم و اعلام پناهندگی کردیم، مارا ابتدا به چهارده ماه زندان محکوم کردند و پس از آن به ۴ ماه تقلیل یافت. از طریق سازمان ملل آزاد شدیم. حالا با چه شرایط دشوار غیر قابل وصفی گذران کردیم. بماند. و این قانون در مورد تمام کسانی که چون ما غیرقانونی و بدون پاس وارد می‌شوند اعمال می‌گردد. بعد از آزادی از زندان می‌بایست در سازمان پلیس این کشور پرونده تشکیل بدهیم و کارت سفید پلیس بگیریم. و بعد شرح حال بنویسیم به سازمان ملل بدهیم و وکیل با ما مصاحبه کند و به شرط قبولی، کارت آبی هم دریافت کنیم. و با کارت آبی ماهیانه حدود ۱۵۰ دلار حقوق برای تمام زندگی و خرج و مخارج‌مان مقرر می‌گیریم. حالا سؤال پیچ کردن وکیل که با تو مصاحبه می‌کند و گاه پوزخند و نابوری ایشان و احتمال رد کردن پرونده هم بماند. ولی هستند کسانی که با وجود داشتن پرونده پناهندگی حقیقی و یا احيانا تحت تعقیب بودن و شکنجه شدن و زندانی بودن و گریختن از چنگال گرازهای وحشی جمهوری اسلامی، باز هم دست رد به سینه‌شان می‌خورند. و مطلقاً مشخص نیست که سنجش و قبولی اینها در مورد پناهنده‌های ایرانی بر چه مبنای و اصولی استوار است.

و اما بعد از ۱۸ ماه حقوق ماهی ۱۵۰ دلار قطع می‌شود. اجازه کار هم در این کشور نداری. پس سوال می‌کنیم چه باید کرد؟ چگونه زندگی کنیم؟ مگر قرار نبوده است که تا حداکثر ۱۸ ماه ما را راهی کشور مقصد پناهنده گیر دیگری نکنید، تکلیف و راه چاره و برون رفت از این مهضل چیست؟ آنها بروهایشان را بالا می‌کشند و با تکان دادن سرهایشان می‌گویند، این دیگر در قدرت مانیست. هر پناهنده تشکیل پرونده و مدارک می‌دهد تا اینکه سرنوبت پرونده‌ها به سفارتخانه‌ها فرستاده شوند و کنسول قبول زحمت فرموده و وقت مصاحبه حضوری بدهند.

اکثر سفارتخانه‌ها اعلام کرده‌اند که پناهنده مجرد خصوصاً مرد را به هیچ عنوان نمی‌گیرند و اگر هم رحمی کنند تنها با داشتن پاسپورت (ضمنی) از همان کشور (کانادا، استرالیا، ...) می‌پذیرند. حال بگرد تا پاسپورت پیدا کنی، بهمان تاپوسی معلوم نیست چه ستری در کار است. هیچگونه قانون مقبول و حساب‌شده‌ای در کار نیست. همینطور هر دمبیل. کسانی هستند که سه سال و یا بیشتر منتظر نوبت و مصاحبه هستند ولی کسانی هم هستند و یا بوده‌اند که سرشش ماه و یا کمتر و بیشتر از آن گرد راه رسیده و نرسیده. به کشورهای مقصد رفته‌اند. حالا پشت پرده‌ها دست کدام اشخاص و چه بندوق‌ها و چه بده‌بستانهایی در کار است، مشخص نیست. و در این میان به آنهایی

بیش از همه ظلم روا می‌شود که مسائل را می‌فهمند و آگاهند و مستحق واقعی رسیدگی فوری هستند.

اینجا مجرداً مقوله اسفناک دیگری هستند. باید تن به سخت‌ترین کارها. که خود یونانیها از زیر بارش شانه خالی می‌کنند. بدهند. بدون هیچگونه بیمه و تعهدی در قبال حادثه و یا پیش‌آمد ناگهانی، باید خود خواسته و جبراً از سر نیاز و درماندگی با چندراز تن به استئمار داد. و در بدترین و متعفن‌ترین مکانها زندگی کرد. روی شکم مشتم کوبید و چیزی پس‌انداز کرد. و آنوقت از معدودی ایرانی سودجو و طماع و ناکس که در کار قاچاق پاسپورت و مهر ورود و خروج ویزا گرفت و زهر مار، دستی دارند، پاسپورتی به قیمت ۹۰۰ - ۵۰۰ دلار تهیه کنی، هکسش را برایت عوض کنند. بلیط کانادا و یا کشورهای اسکندیناوی را بخری و با اضطراب و دلهره بروی فروگاه که آیا بشود رد شد یا نشود. اگر موفق بشوی که به مقصد رسیده‌ای، والا باید دوباره سر از زندان دریابوری، دادگاه بروی و جریمه سنگین بدهی. در همین یونان بهمانی، پاسپورت را هم می‌گیرند و آنگاه روز از نو، روزی از نو. در یک دایره رنج و درد و دربدی دور خودت چرخیده‌ای و دوباره باید از صفر شروع کنی.

(در حاشیه بگویم که سال گذشته در یونان پناهنده‌ای خودسوزی کرد و جان باخت.) ۲۳...

خمینی قرار خواهد گرفت. در این طرح شمار ایرانیان خارج از کشور ۴ میلیون تن برآورد شده است و این اولین بار است که آمار ایرانیان مهاجر رسماً از سوی دولت اعلام می‌شود.

وزیر خارجه شوروی در تهران

ادوارد شواردناده وزیر امور خارجه شوروی هفته گذشته از تهران و بغداد دیدن کرد. این دیدارها، بخشی از سفر خاورمیانه‌ای شواردناده به منطقه خاورمیانه بود. طی ده سال اخیر، این اولین بار است که یک مقام بلند پایه شوروی به تهران سفر می‌کند. وزیر خارجه شوروی در بغداد و تهران، وضعیت خاورمیانه و تلاشهای سازمان ملل مبنی بر استقرار صلح جامع در منطقه و بین ایران و عراق را با مسئولان دو کشور مورد تبادل نظر قرار داد. براساس گزارش رادیوی جمهوری اسلامی وی روز یکشنبه ۷ اسفند، در جماران با خمینی ملاقات کرد. در تهران، وضعیت کنونی و آتی افغانستان نیز مورد بحث قرار گرفت.

چاپ یوگسلاوی همراه سخنان خامنه‌ای، بخشهایی از کتاب ”آیات شیطانی“ نوشته سلمان رشدی را درج کردند. در پایان دیدار خامنه‌ای از یوگسلاوی یک یادداشت تفاهم مشترک در زمینه گسترش روابط اقتصادی، فرهنگی و کنسولی میان طرفین امضا شد. خامنه‌ای روز پنجشنبه از بلگراد وارد بخارست شد و از سوی چائوشسکوی رئیس‌جمهور رومانی مورد استقبال قرار گرفت. دیدار خامنه‌ای از رومانی در روز به طول انجامید.

طرح دولت برای ایرانیان مقیم خارج از کشور

سیات دولت جمهوری اسلامی مشغول تهیه طرحی جامع درباره ایرانیان مقیم خارج از کشور است. خبرگزاری دولتی با گزارش این خبر به نقل از موسوی نخست‌وزیر، از آن به عنوان طرح ”هفتمومی ایرانیان خارج از کشور“ یاد کرد و افزود که طرح مذکور پس از تدوین و تصویب در سیات دولت، برای تایید در اختیار

سفر خامنه‌ای به یوگسلاوی و رومانی

روز دوشنبه اول اسفند خامنه‌ای رئیس‌جمهور همراه یک هیات اقتصادی و سیاسی وارد بلگراد شد. خامنه‌ای طی روزهای اقامت در یوگسلاوی با رئیس‌جمهوری و سایر مسئولان دولتی این کشور ملاقات کرد و با آنان پیرامون روابط دو جانبه، مذاکرات ایران و عراق و مسائل بین‌المللی تبادل نظر کرد. خامنه‌ای در دومین روز حضور در یوگسلاوی، ضمن دیدار از بخش مسلمان‌نشین این کشور، با نمایندگان روحانیون نیز ملاقات کرد. در کنفرانس مطبوعاتی که با حضور خبرنگاران یوگسلاوی و سایر خبرنگاران در بلگراد ترتیب یافت، خامنه‌ای، اقدام بازار مشترک اروپا را مبنی بر قطع رابطه سیاسی و اقتصادی با جمهوری اسلامی بی‌نتیجه خواند و تاکید کرد که حکم اعدام سلمان رشدی طبق فتوای خمینی اجرا خواهد شد. در همان روز برخی از مطبوعات

طنین فریاد

مرگ بر خمینی جلاد
رسانه‌ها!

ایتالیا - تظاهرات در برابر سفارت رژیم

در روز دوم فوریه نزدیک به ۱۵۰ تن از ایرانیان مقیم رم همراه با هدهای از شهروندان ایتالیایی تظاهراتی در برابر سفارت رژیم جمهوری اسلامی در ایتالیا برپا کردند. تظاهرکنندگان پلاکاردهایی با شعار "آزادی برای همه زندانیان سیاسی"، "سرنگون باد جمهوری اسلامی"، و... را حمل می نمودند و با طنبن مرگ بر خمینی جلاد، آزادی و دموکراسی برای ایران را فریاد می کردند. از سوی تظاهرکنندگان اعلامیه‌هایی که با مضامین متنوعی تهیه شده بود، در اختیار رهگذران قرار می گرفت. در قطعنامه پایان تظاهرات آمده است که:

۱ - اعدام‌های وحشیانه و بیرمزشانه جمعی زندانیان سیاسی فوراً قطع شوند.
۲ - شکنجه‌های غیرانسانی که در زندان‌های رژیم علیه زندانیان زن و مرد اعمال می شوند، بلادرنگ متوقف شوند.
۳ - در ایران به حقوق بشر احترام گذاشته شود.
این قطعنامه توسط مسئولین "جمعیت حقوق و آزادی خلق‌ها - ایتالیا" که سازمانده تظاهرات بود، به سفارت رژیم تحویل داده شد. از این تظاهرات و قطعنامه سازمانهای خارجی زیر حمایت کردند:

۱ - جمعیت دفاع از حقوق و آزادی خلق‌ها
۲ - حزب کمونیست ایتالیا
۳ - دموکراسی پرولتاریا
۴ - حزب رادیکال
۵ - جمعیت رادیکال برای حقوق بشر
۶ - گروه فدرال اروپایی (پارلمان اروپا)
۷ - جمعیت علیه "قتل عام - گرسنگی"

۸ - سندیکای CGIL
۹ - سازمان جوانان کمونیست ایتالیا
۱۰ - گروه سبزها ایتالیا
۱۱ - آ.ر.پ.ی (جمعیت)

لغو فوری احکام اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی هستیم.

۲ - ما خواهان آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی موجود در زندانهای ایران می‌باشیم.

۳ - ما شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی از همه محافل

مترقی جهان خصوصاً دولت و پارلمان سوئد می‌خواهیم که بدون هیچگونه ابهامی اعمال رژیم حاکم بر ایران را در رابطه با اعدام زندانیان سیاسی رسماً محکوم کرده و از رسانه‌های گروهی کشور اعلام نمایند و اعتقاد داریم که سکوت در این مورد تأیید ضمنی اعمال رژیم است.

اسپانیا - تظاهرات در اعتراض به ورود ولایتی



در تظاهرات هشتم فوریه در مادرید هدهای از شخصیت‌های برجسته و مترقی اسپانیایی شرکت داشتند. کسی که در عکس در کنار شعار "سرنگون باد جمهوری اسلامی - زنده باد آزادی" ایستاده است، یکی از نمایندگان پارلمان و از مسئولین جبهه متحد چپ است.

راهپیمائی در سوئد

با فراخوان "کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران" در روز شنبه ۸۹/۲/۱۱ تظاهراتی جهت افشای تبعکاریهای رژیم منفور خمینی، در شهر کارلسوگاسوئد برگزار گردید. در این مراسم ابتدا بیانیه کانون خوانده شد و سپس بیانیه حزب V.P.K سوئد جهت محکوم کردن اعمال فاشیستی رژیم توسط نماینده حزب قرائت شد.

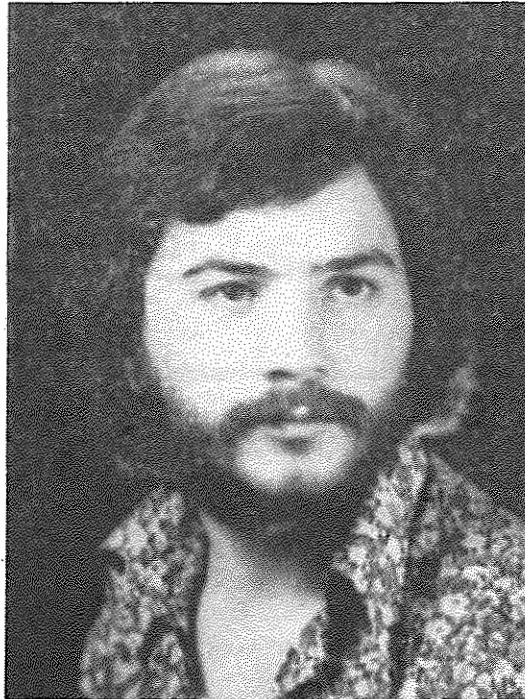
شرکت کنندگان در تظاهرات، پس از راهپیمایی در شهر قطعنامه‌ای صادر نمودند که بخشی از مفاد آن به شرح زیر است:

۱ - ما شرکت کنندگان در این تظاهرات خواستار قطع کشتار و

مسافرت ولایتی وزیر خارجه دولت ایران به اسپانیا با پروز موجی از خشم نیروهای مترقی و آزاده اسپانیا مواجه گردید. در روز ۸ فوریه تمامی نیروهای مترقی این کشور با صدور بیانیه مشترکی از این سفر ابراز کراهت کردند. در روز ششم فوریه نیز سازمان هفو بین الملل در اسپانیا

بیانیه‌ای منتشر ساخت و طی آن خواستار گردید از حضور ولایتی در اسپانیا باید برای متوقف ساختن موج اعدام در ایران استفاده شود. "انجمن طرفداران حقوق بشر اسپانیا" نیز با صدور اعلامیه‌ای از مردم مادرید خواست در روز ۸ فوریه برای اعتراض به ورود ولایتی و هم چنین اعتراض به نقض

چند خاطره از زندگی فدائی خلق سعيد متين



رفیق سعاد متین (عکس در سال ۱۳۵۵ گرفته شده است)

زندانی کردند. پس از زندان او را به خدمت سربازی اجباری فرستادند. اما سعید دوره سربازی را تا به آخر نگذارند. با اوجگیری جنبش توده‌ای در سال ۱۳۵۷ سعید از پادگان گریخت و به جنبش مردم پیوست. در روزهای قیام بهمن آرام و قرار نداشت. با حضور در همایات نظامی در تسخیر چندین مقر رژیم شاه شرکت داشت. در جریان فتح مرکز رادیو در میدان ارک تهران، هم‌زم قاسم سیادتی (از رهبران سازمان) بود.

پس از پیروزی انقلاب و با برپایی ستاد سازمان، سعید در ستاد کار می‌کرد. از اینجا به آنجا می‌رفت و برای انجام هر کار زمین‌مانده‌ای سر از پا نمی‌شناخت. در ستاد در جریان تمیز کردن اسلحه‌ای به شدت مجروح گردید. بگونه‌ای که اطرافیان از نجات جانش مایوس شدند. گلوله استخوان دست چپش را سوراخ و روده‌هایش را متلاشی ساخت. در بیمارستان جزار تختخوابی پزشکان جان‌ش را نجات دادند. در همانجا بود که برای اولین بار او را پس از بازگشت به ایران دیدم. چهره‌اش اگرچه از درد مچاله شده بود اما بالبخندی ضعیف زینت بست. با صدای ضعیف از من پرسید: چقدر دیر آمدی؟ منظورش این بود که چرا دیر به کشور بازگشتم. وقتی که در پاسخ مشکلات تحصیلی‌ام را مطرح کردم به طعنه گفت: اگر مردم انقلاب کردن را بنابه این قبیل دلایل به عقب می‌انداختند وضع خیلی خراب می‌شد.

روزهای بستری بودنش در بیمارستان، روزهایی نبود که سعید آنها را به‌در بدهد. رفتار سعید با کارکنان بیمارستان طوری بود که اتاق سعید به محل تجمع پرستاران، کارمندان و پزشکان پیشرو تبدیل شده بود. با سازماندهی او پرستارها در اتاق کشیک جلسه کتابخوانی می‌گذاشتند.

آخرین خبری که از سعید داشتم این بود که او در خیابانهای تهران تاکسی‌رانی می‌کند. می‌دانستم که وضع مالی بسیار بدی دارد. می‌دانستم که موقعیت امنیتی او هم نامناسب است. همواره نگرانش بودم تا نام شهید شماره ۸۴ را خواندم، نام سعید متین را سعید مالی را...

همواره شاداب و سرزنده بود و با خود نشاط و شادی را می‌پراکند. فهمیدم مادرش با بیماری سرطان درگذشت و سعید نتوانست برخلاف عهدش در هنگام مرگ در کنارش باشد. مصمم بود که برای مراسم چهلم به ایران برود. این کار پرمخاطره بود. سعید به عنوان یکی از فعالترین چهره جنبش دانشجویان ایرانی در آمریکا برای ساواک شاه شناخته شده بود. همه او را سعید مالی می‌نامیدند. او مسئول مالی خانه ایران شهر شیکاگو (یک مرکز دانشجویان پیشرو) بود. اما سعید بی‌هراس از بازداشت، تدارک بازگشت قطعی خود را به ایران به سرانجام رساند.

وقتی که به تهران بازگشت هنوز ۹ روز به مراسم چهلم مادرش مانده بود. اما سعید بالاخره نتوانست در این مراسم شرکت نماید. زیرا در فرودگاه مهرآباد، گزرمه‌های ساواک منتظرش بودند و او را مستقیماً روانه بازداشتگاه کردند. آنها برای کسب اطلاعات و درهم شکستن مقاومتش شکنجه را آغاز کردند و در پایان او را با دو پای شکسته در سلول انفرادی

میشناختم. او نمونه‌ای بود که نشان می‌داد چگونه یک انسان متعارف می‌تواند تا حد یک انسان متعالی ارتقاء یابد. یک یک خاطره‌هایی که از او داشتم و یا شنیده بودم به نظر آمدند. چگونه سعید از حضور در تظاهرات دانشجویی آغاز کرد و فدائی خلق شد و اکنون نامش در دفتر شهیدان خلق ثبت شده است...

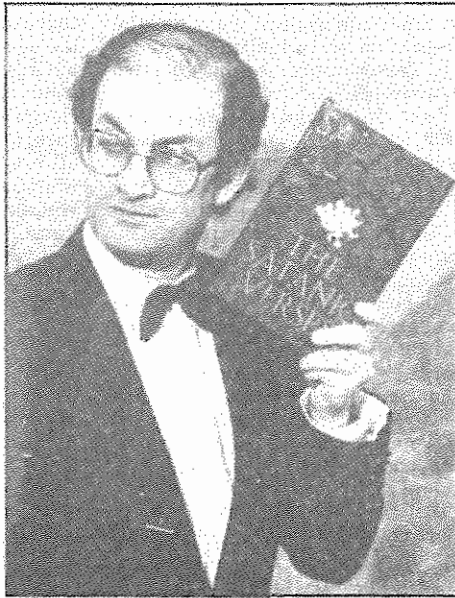
آن روز در ناهارخوری دانشگاه روزولت به سعید برخورددم. برخلاف همیشه فمگین بنظر می‌رسید. این غیرهادی بود. او

متوقف سازد. این تظاهرات از تمامی رسانه‌ها پخش گردید و علاوه بر مطبوعات، در مهمترین بخش‌های خبری تلویزیون‌ها و رادیوها بازتاب یافت. از این تظاهرات "کارزار دفاع از جان زندانیان سیاسی" که از ایرانیان مترقی و دمکرات مقیم اسپانیا تشکیل شده است، پشتیبانی کرد و در آن حضور فعالی داشت.

فدائی خلق سعید متین، یکی دیگر از دلاورانی است که در کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران، به دست دژخیمان خمینی به قتل رسیده است. وی که مبارزه خویش را در راه آزادی و بهروزی مردم، قریب ۱۵ سال پیش از طریق شرکت در حرکات دانشجویی خارج کشور آغاز کرده بود، به سرعت به سازمانگر مبارزات دانشجویی خارج کشور مبدل شد و سپس با مراجعت به ایران و سقوط رژیم شاه در پیوند با سازمان ما قرار گرفت. آنچه را که در زیر می‌خوانید بر اساس نوشته یکی از آشنایان و همراهان سعید تنظیم شده است و گوشه‌هایی از زندگی این فرزند خلق را ترسیم می‌کند.

...از سرکار به خانه که رسیدیم، چشمم به فراخوانی در مورد کشتار زندانیان سیاسی افتاد. به سرعت و بدون مکث کافی آن را مرور کردم. فراخوان با مقدمه‌ای کوتاه حاوی ۱۵ شماره بود. در کنار هر شماره اسمی نوشته شده بود. این نخستین دریافت من از آن فراخوان بود. اما بعد به خود لرزیدم که چگونه جمهوری اسلامی وضعیتی را پدیدآورده است که خواندن ردیف نام شهیدان هادی شده است، احساس شرم کردم که چگونه من هم تسلیم این وضعیت شده‌ام و بدون مکث از روی آن همه نام گذر کرده‌ام با نامه‌هایی که هر کدام برگ سرخی بر اختر تاریخ قهرمانی خلفاست. درواکنش بعدی به بازخوانی نامه‌ها پرداختم. بر روی هر نام مکث کردم تا به شماره ۸۴ رسیدم. رو بروی آن نوشته شده بود: سعید متین. سرگیجه گرفتم. چشمم در همانجا خیره ماند. حق‌هق گریه‌از من امکان بازخوانی دیگر نامه‌ها را سلب کرد. اما دیگر همه آن نامه‌ها برایم آشنا بودند. سعید را

حقوق بشر در ایران در مقابل کاخ وزارت امور خارجه (که محل دیدار ولایتی با همتای اسپانیاییش بود) گردآیند. این گردهمائی طبق برنامه پیش‌بینی شده در زمان حضور ولایتی در کاخ وزارت خارجه برپا شد. شدت فریادهای طنین شعارهای تظاهرکنندگان چنان بود که پیشبرد گفتگوی دو وزیر را دشوار ساخت. پلیس ضد شورش به مقابله با تظاهرکنندگان برخاست و کوشید دادن شعار را



مصاحبه ای با سلمان رشدی

من کتاب خود را برای آخوندها ننوشتام

شبکه تلویزیونی "کانال ۴" بریتانیا، هفته گذشته مصاحبه ای با سلمان رشدی نویسنده "آیات شیطانی" پخش کرد که بخشهایی از آن را می خوانیم.

هم چنین بود که نیست، این فکر که ممکن است کتابی وجود داشته باشد که دیدگاه آن دیدگاهی به جز نظرات رهبران اسلامی، و خود آن تا این حد خطرناک باشد، برای من قانع کننده نیست. به نظر من، این کاملاً مشروع است که باید دیدگاهی مفایر با تفکر ارتدکس مآبانه وجود داشته باشد. این امر تنها در مورد اسلام صادق نیست. مثلاً در مقابل سیاست محافظه کاران که نوعی ارتدکس منشی است که امروز همه ما تحت سلطه آن زندگی می کنیم، باید دگراندیشی وجود داشته باشد. اگر در این کشور، تفکر رادیکال، تفکر ارتدکس مآب حاکم می بود، به نظر من ضرورت داشت که در مقابل آن هم، دگراندیشی مجال موجودیت یابد.

از جمله کارهایی که یک نویسنده می تواند بکند، این است که بگوید: این است نوع نگرش به جهان که به شما پیشنهاد می شود، اما روش های دیگری هم وجود دارد. هرگز نگذارید گمان کنیم همان نوع نگرش به جهان که قدرتمندان به ما تجویز می کنند، تنها راه ممکن است، زیرا اگر چنین کنیم، این به معنای خود سانسوری خواهد بود.

می گویند آنچه شما نوشته اید، توهین به اسلام و به مبارزه طلبیدن همه مسلمانان است. آیا شما از تحریک، لذت می برید؟

بستگی به منظور شما از تحریک دارد. هر نویسنده ای آرزو دارد بتواند تخیلات را تحریک کند. هر کس مایل است مردم را به تفکر درباره آنچه می نویسد، وادارد. به نظر من، یکی از اهداف نوشتن این است که نوشته، اندکی بر مجموعه آنچه می توان در باره آن اندیشید، بیفزاید، و بگوید: "بگذارید به موضوع، بگونه ای دیگر بنگریم." اگر این هدف متحقق شود، مردم تحریک می شوند، و شاید این بر خلاف میلشان باشد.

بقیه در صفحه ۱۳

کرفتید، قدرت تحمل دیگران را دارید؟ این است مسأله ای که آن بخشها از رمان، به آن پرداخته است. کتاب، نشان می دهد (و تا آنجایی که از زندگی محمد اطلاع داریم، چنین بوده است) که پاسخ به سؤال اول این است: اسلام در دوره ضعف خود، ظاهراً نزدیکی هایی با نوعی سازش - در رابطه با یکتاپرستی - نشان داد، اما این سازش به سرعت ردد شد. اما من فکر نمی کنم که این برای محمد، کسرشان باشد. همه پیامبران، دچار وسوسه شده اند. وقتی جبرئیل، صدر ملائک، نزد محمد رفت و به او گفت آن آیات، آیات شیطانی بوده اند و باید حذف شوند - و حلال، این آياتی که من آورده ام، واقعی است -، محمد راه فریاد کرد. او گفت: "فکرش را نکن، این قابل درک است. مسائل مشابهی در گذشته روی داده است." به نظر من، جبرئیل بیش از اینهایی که به کتاب من حمله می کنند، انعطاف پذیر بود.

محمد وقتی به مکه بازگشت و قدرت گرفت، بسار انعطاف پذیر بود. اگر درست به خاطر داشته باشم، تنها پنج یا شش نفر پس از تسخیر مکه اعدام شدند. از این پنج یا شش نفر، دو نفر نویسنده بودند، و دو تن هنرپیشگانی بودند که متون طنزآمیز احرار می کردند. به نظر من، این تصویر ارزش کاوش را داشت: در همان آغاز اسلام، درگیری کلام الهی و کلام دنیوی را می یابید، میان ادبیات وحی و ادبیات زمینی. برای یک نویسنده، این درگیری بسیار جذاب و جهت ناوش، حالب است. این بود آنچه من کردم: کاوش.

فکر می کنید مخالفت با کتاب از جانب کسانی است که احساس ضعف یا احساس قدرت می کنند؟

به نظر من، هیچ کاری که در قدرت من باشد، نمی تواند اسلام را نابود کند. پیوسته می گویند در جهان ۹۰۰ میلیون نفر مسلمانند. از دست من چه کاری برمی آید؟ من چگونه می توانم اسلام را نابود کنم؟ ممکن نیست. پس اگر قصد من

آیا انتظار چنین واکنش گسترده ای در مقابل کتاب خود را داشتید؟

من انتظار داشتم که آخوندها از کتاب خوششان نیاید. اما من کتاب را برای آخوندها ننوشتم. من آنچه را که آخوندها ظرف ۱۱ سال گذشته در پاکستان کرده اند، یعنی سرکوب توأم با اسلامی کردن این کشور را دیده ام. من همچنین شاهدان بوده ام که در این دوره، تقریباً همه شاعران پاکستان در انگلیس در تبعید به سر برده اند، و تازه امروز شروع به فکر کردن درباره بازگشت کرده اند.

آشکار است که نگرش من به جهان، نگرش آخوندها نیست. من بر حق داشتن این نگرش برای خود، و نیز حق بیان آن، بگونه ای که مناسب می دانم، تاکید می کنم.

در این کشور، کارها آسان است. اگر نمی خواهید کتابی را بخوانید، مجبور به این کار نیستید. بسیار مشکل است که کسی از کتاب آیات شیطانی برنجد، زیرا مطالعه آن مستلزم دوره ای طولانی است. این کتاب حجمی معادل یک ربع میلیون لغت دارد.

اختلاف، به لحاظی درباره پرداختن شما به متن تاریخی قرآن و بازی ادبی با آن بوده است. این پرداخت، تا چه حد بر واقعیات تاریخی منطبق بوده است؟

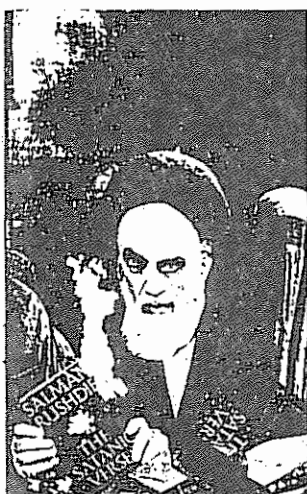
تقریباً بطور کامل. تقریباً همه چیز در آن بخشها - بخشهای مربوط به رویای شخصیت های داستان - از مبنای تاریخی یا شبه تاریخی آغاز می شود. البته وقتی سخن از دوره زندگی محمد است، واقعا نمی توان با اطمینان مطلق از تاریخ سخن گفت. روایات، بسیار ناقص و مبهمند. اما بالاخره، محمد تنها پیغمبری است که حداقل بطور ناقص در تاریخ ثبت شده است. در مورد همه پیغمبران دیگر، برای ما تنها روایات و احادیثی باقی مانده اند که صدها سال بعد نوشته شدند. نکته جالب در مورد محمد این است که اطلاعات عینی درباره او علاوه بر قرآن وجود دارد. هنگامی که من به عنوان یک مورخ درباره این امر مطالعه کردم، به نظرم رسید که این نکته، کل این پدیده را به یک پدیده تاریخی و نیز یک پدیده فکری تبدیل می کند. رابطه میان انسانهای دخیل در این پدیده، بسیار جالب است.

هر چه باشد، اسلام یکی از بزرگترین اندیشه هایی است که تاکنون ظهور کرده اند. فکر می کنم مارکسیسم را می توان به لحاظ گستره آن با اسلام مقایسه کرد. یا فتن امکان مطالعه در مورد تولد یک تفکر بزرگ تاریخی، جالب است. شما به عنوان مورخ، می آموزید که اسناد تاریخی، تاچه حد پراکنده، مبهم و منحصر به فردند. بنابراین من به این نتیجه رسیدم که و انموده نوشتن تاریخ نکنم، بگذار موضوع هایی را که به آن علاقه مند، بگیرم و در باره آن خیال پردازی و داستان سازی کنم، تا مجبور نباشیم به این امر بپردازیم که واقعیت، همین گونه بوده است یا نه.

موضوعات، بسیار گسترده اند. در اساس، کتاب نمی گوشت به هیچ سؤالی پاسخ دهد. هرگاه اندیشه ای ظهور می کند، در برابر دو آزمایش بزرگ قرار می گیرد: آیا وقتی ضعیف هستید، به سازش تن می دهید؟ آیا وقتی نیرو

بقیه از صفحه اول

خشم فقیهانه از آیات شیطانی



خواهد کرد. در آلمان فدرال، حدود ۲۵ بنگاه انتشاراتی معتبر به اتفاق هم هیاتی برای انتشار کتاب تشکیل دادند. قرار است

سیاستمداران، نویسندگان، هنرمندان و سایر شخصیت‌های اجتماعی این کشور، هم‌ده‌دار مسئولیت نشر ترجمه آلمانی «آیات شیطانی» شوند. در پارلمان آلمان فدرال، قطعنامه‌ای علیه فتوای جنایتکارانه خمینی به تصویب رسید که در آن، این فتوا اعلان جنگ به جهان متمدن نامیده شده است. نمایندگان پارلمان آلمان فدرال خواهان انتشار کتاب در این کشور شدند. در بحثی که در این مورد در پارلمان این کشور صورت گرفت، نمایندگان همه فراکسیون‌ها رژیم خمینی را به دلیل نقض آشکار حقوق بشر، از جمله در مورد زندانیان سیاسی ایران، محکوم کردند. برای دومین بار طرف دو ماه پارلمان آلمان فدرال جمهوری اسلامی را محکوم کرد. نماینده حزب سبزهای سخنانی، از گذر وزیر خارجه دولت هلموت کول به خاطر سفر به ایران در اوج کشتار زندانیان سیاسی، به شدت انتقاد کرد و خواهان تحریم اقتصادی رژیم خمینی شد.

با این موج اعتراض، کار بسط روابط غرب و تهران بسیار دشوارتر شد. خمینی، در پیام اخیر خود گفته است که برای گسترش این روابط، «ضرورتی وجود ندارد». او، حداقل در دوره فعلی، در اولویت‌های خود، روحیه دادن به حزب الله و «حفظ کيان اسلام» را بر نشان دادن انعطاف بیشتر برای یاری جستن از غرب جهت حل مشکلات رژیم، ترجیح داده است.

تظاهراتی در برابر نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل، سه‌کتابفروشی هم‌ده و سراسری ایالات متحده را وادار کردند تا کتاب سلمان رشدی را که فروش آن را متوقف کرده بودند، دوباره در ویتترین‌های خود بگذارند. در خود انگلیس، چاپ اول کتاب آیات شیطانی تا به آخر فروش رفت. در ایتالیا، که در چاپ اول ۱۵ هزار نسخه به معرض فروش گذاشته شده بود، همه ۱۵ هزار نسخه در همان ساعات نخست به اتمام رسید. در فرانسه، اعتراض یکپارچه افکار عمومی باعث شد تا ناشر ترجمه فرانسوی کتاب، که نخست در مقابل تهدیدات عقب‌نشینی کرده بود، اعلام کند کتاب را منتشر

می‌کردند. آنچه یک مانع جدی در این راه است، افکار عمومی این کشورهاست. دیگر امروز رابطه با دیکتاتوری تا به این حد خون‌آشامی مانند رژیم خمینی، گران تمام می‌شود. همانگونه که انتظار می‌رفت، نویسندگان سراسر جهان خمینی را محکوم کردند. نجیب محفوظ، نویسنده مصری و برنده جایزه نوبل، که خود نیز در گذشته قربانی سانسور اسلامی بوده است، گفت باید خمینی را به عنوان منشأ «تروریسم فکری» محکوم کرد. معروف‌ترین نویسندگان آمریکا، مانند نورمان میلر، سوزان سانتاگ و گئیتالیز، با ترتیب دادن یک جلسه قرائت کتاب آیات شیطانی و

در هند و پاکستان، به هلت آنکه زبان انگلیسی رواج دارد، افراطیون اسلامی زودتر از کشورهای دیگر به فکر هلم کردن قضیه افتادند. حزب الله، قبل از اینکه «رهبر جهان اسلام» در جماران وارد معرکه شود، مقادیر معتناهی شهید داد تا رشدی مرتد افشا شود. می‌گویند خمینی از طریق گزارش‌های تلویزیونی فهمیده که در بلاد اسلامی، که آن را قلمرو خلافت خود می‌داند، چه خبرها شده است. اخبار این بلوا زمانی به جماران رسید که اگر آقا می‌خواست به همان حد اعتراض آخوندهای پاکستانی و هرب اکتفا کند، کسی به او توجهی نمی‌کرد. مگر در شان نایب امام زمان می‌گنجد که ممالک اسلامی از تضحای چنین منقلب شوند و او با ماهها تاخیر همان کند که پیش از او «آخوندهای درباری» سعودی کرده‌اند؟ پس باید کاری کرد که دیر آمدن، جبران شود. بد هم نیست، شاید تلخی زهر آتش بس را کمتر کند.

همیشه میان نیازهای حکومت کردن آخوندها در داخل ایران، و نیازهای بقای آنها در جهان تضاد وجود داشته است. برای حکومت،

هم حزب الله همیشه در صحنه لازم است و هم دلار نفتی بم شعار لازم است و هم اسلحه. گاه این دو با هم مقایر می‌شود. ماجرای سلمان رشدی، نمونه‌ای از این قبیل است، که تحجر و سرسختی خمینی نیز، بر ابعاد آن افزوده است. اما با آنکه در هفتۀ گذشته، کشورهای سرمایه‌داری اروپا سفرای خود را «برای مشورت» از تهران فرا خواندند، با آنکه جمهوری اسلامی نیز متقابلاً چنین کرد، با آنکه کشورهای غربی تهدید به اقدامات بیشتری علیه رژیم خمینی کرده‌اند، به نظر می‌رسد از دو سو تلاش زیادی برای مسکوت گذاشتن قضیه به عمل می‌آید. فشارتی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی، پیشنهاد کرده است که «آتش بس» برقرار شود. ظاهراً این پیشنهاد او مورد پذیرش قرار گرفته است.

این نخستین بار نیست که «حقوق بشر» مورد سوداگری دولتهای سرمایه‌داری غرب قرار می‌گیرد. اینجا اگر می‌توانستند، با همین رژیم در همین وضعیت فعلی‌اش گسترده‌ترین و هلم‌ترین روابط را برقرار

آیات شیطانی چه کتابی است؟

اول کتاب است: «برای آنکه دوباره متولد شوید، نخست باید بمیرید.» داستان، روایت یک «مسخ» است: دو هنرپیشه هندی که هواپیمای حامل آنها منفجر می‌شود، به قالب دو مظهر نیکی و بدی درمی‌آیند: جبرئیل و شیطان. اما شخصیت‌های داستان، هیچ‌یک اسامی مطابق با اصل تاریخی خود ندارند. پیامبر خیالی، نامی دیگر دارد، و شمر خیالی، نامی به جز مکه. داستان، روایت رویاها و هم‌های دو مظهر نیکی و بدی است. تصاویری مشابه روایت تاریخی، در خیال شخصیت‌های داستان نقش می‌بندد.

درباره ارزش‌گذاری ادبی و هنری «آیات شیطانی» باید صاحب‌نظران اظهار عقیده کنند. آنچه مسلم است، این است که هنوز کمتر کسانی هستند که کتاب را تابه آخر خوانده باشند. کتاب سلمان رشدی، تقریباً در همه کشورهای اسلامی و کشورهایی که بخش قابل توجهی جمعیت مسلمان دارند، ممنوع شده است. سلمان رشدی، به قلمرو وارد شده است که در اسلام، «تابو» محسوب می‌شود. بر چند اقلب آخوندی‌های سایر کشورهای اسلامی، ناچار شدند نوع واکنش جنجالی خمینی را محکوم کنند، اما بدون استثنا در جهت جلوگیری از نشر رمان کوشیده‌اند.

«آیات شیطانی» را خود نویسنده آن، داستان مجامعت، داستان زندگی، داستان تخیل و داستان عشق‌ها نام نهاده است. رشدی، که خود مجامع است، چهارمین رمان خود را به شرحی و هم‌آمیز و رویایی از سیر و سلوکی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف اختصاص داده است.

الهام بخش نویسنده، واقعه‌ای است که در تاریخ ثبت شده است. ابن سعد، طبری و سایر مورخان اسلامی که بخش عمده روایات و احادیث مربوط به صدر اسلام، آثار آنها را به عنوان منبع ذکر می‌کنند، حکایت کرده‌اند که محمد، نخست سه خدای مونت را که بسیار مورد علاقه اهالی بت پرست مکه بودند، به عنوان فرشتگان خدای واحد خود، در قرآن وارد کرد. اما بعداً، به پیروان خود گفت که آیات مربوط به این قضیه، نه آیات خدا، که آیات شیطان بوده‌اند. این آیه‌ها از متون بعدی قرآن حذف شدند.

سلمان رشدی، از این واقعیت تاریخی، یک تصویر ادبی ساخته است. تصویری که در سراسر کتاب او، جریان دارد و او‌ها، رویاها و تخیلات را از ورای زمان و مکان به هم پیوند می‌دهد. نویسنده، با سبک سوررئالیستی خود، داستان را از فرود آمدن دوباره مانده انفجار یک هواپیما توسط تروریستها، در خاک انگلیس، آغاز می‌کند. این حمله

در دهمین سالگرد مبارزات شورایی زحمتکشان ترکمن صحرا یاد تو ماج و همی زمان گرامی باد !

بقیه از صفحه آخر

در نوزدهم بهمن ماه ۵۸، پاسداران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی با یورش مسلحانه به صف راهپیمایی و تظاهرات زحمتکشان منطقه ترکمن صحرا به مناسبت سالروز تاسیس سازمان، جنگ دیگری را بر مردم منطقه تحمیل نمودند. آنان با همدستی مالکان بزرگ و ارتجاع منطقه در شب هجدهم بهمن ماه فدائیان خلق رفقا: تو ماج، مختوم، واحدی و جرجانی این دلاوران خلق ترکمن را در داخل شهر گنبد ربودند و پس از چند روز با اعمال شکنجه و آزار فراوان به قتل رساندند. در این فاصله مدت ۵ روز متوالی پاسداران جنایتکار با حمایت ارتش مسلح به توپ و تانک به کشتار نیروهای مبارز و مردم بی دفاع پرداختند. آنان ساختمان ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن را با کینه‌های جنون آسا به آتش کشیدند و تخریب و منهدم نمودند. بسیاری از خانه‌های مردم شهر مورد تاراج و چپاول قرار گرفت و روستای "بدلجه" در مجاورت شهر گنبد را به آتش کشیدند. این یورش سبعانه در شرایطی صورت گرفت که دهقانان و زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا بخش عظیمی از زمینهای زراعی خود را از دست زمینداران قاصب پس گرفته بودند. و بیش از ۴۵۰ شورایی دهقانی تحت هدایت و سازماندهی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا از کرانه‌های دریای مازنداران تا دامنه کوههای جرجلان در استان خراسان، با اشتراک گسترده روستائیان به وجود آورده بودند. ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا روستائیان را در مبارزه‌شان علیه توطئه‌های زمینداران قاصب و ضدانقلاب یاری می‌نمود و سازماندهی امور کشاورزی زحمتکشان روستاها را در زمینه: کاشت، داشت و برداشت و فروش محصول به عهده داشت. با افزایش تجارب مبارزاتی شوراهای فلاحی روزافزون آنها بیش از ۲۵ اتحادیه دهقانی با اشتراک داوطلبانه شوراهای همجوار دهقانی به وجود آمده بود و با ترکیب نمایندگان این اتحادیه‌ها، اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا تشکیل

ترکمنی تدوین نمود، شاهران و نویسندگان و مترجمان مترقی این کانون در برنامه‌ها و مراسم شعر و ادب به احساسات پر جوش نسل نوین و انقلابی ترکمن پاسخ می‌دادند.

فعالین سازمان ما با سازماندهی و هدایت مطالبات دمکراتیک و صنفی معلمان و فرهنگیان، کانون فرهنگیان و کارکنان ترکمن صحرا را تشکیل داده بودند که حمایت وسیعی از این صنف را پشت سر داشت. کانون فرهنگیان علاوه بر پاسخ‌گویی به خواسته‌های دمکراتیک فرهنگیان با فرستادن اکیپ‌هایی از معلمان و فرهنگیان به محلات و روستاهای منطقه بر مبارزات شورایی زحمتکشان و توده‌ها در شهرها و روستاها تأثیر می‌بخشید. از تشکلهای دیگر می‌توان از کانون مهندسين و تکنسین‌های ترکمن صحرا و اکیپ پزشکی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا نام برد که خدمات فنی، همراهی و درمانی فراوانی برای زحمتکشان روستاها به انجام رسانیدند. کانون زنان ترکمن صحرا در جهت حمایت از زنان زحمتکش و قالیباف در کنار ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا فعالیت می‌کرد که توانسته بود از طریق زنان مبارز و دمکرات نقش فعالی در جهت شناساندن حقوق برابر زنان با مردان و بیداری آنان داشته و در جذب آنان به هرصه‌های مبارزات دمکراتیک تلاشهای مجدانه‌ای نماید. کانون جوانان پیشگام ترکمن صحرا که به عنوان ارگان دمکراتیک جوانان، در پیوند با مبارزات سازمان پیشگام فعالیت می‌کرد، توانسته بود در محلات شهرهای ترکمن صحرا و بیش از صد روستای پر جمعیت منطقه به احداث کتابخانه‌های محلی و روستایی همت گمارد.

مبارزات زحمتکشان منطقه با نقش همی و سازمانگرا نه سازمان، با مبارزات سراسری طبقه کارگر ایران و جنبش خلق‌های مبارز میهن مان پیوند یافته بود. تحولات دمکراتیک و انقلابی در ترکمن صحرا، از جنبه‌های مختلف بر مبارزات آنان تأثیرات خود را می‌گذاشت، مرتجعین و زمینداران بزرگ که پایگاهی در میان توده‌ها نداشتند، در پی به اجرا درآوردن نیت شوم و ارتجاعی خود، باتکیه بر پاسداران آموزش دیده خمینی و با حمایت ارتش جهت برهم زدن وضعیت

منطقه، جنگ خونین دیگری را بر خلق ترکمن و زحمتکشان منطقه تحمیل نمودند. رژیم جنایتکار خمینی و دشمنان عدالت و دمکراسی با قهر و سرکوب و کشتار و جنایات بیشمار به فعالیت هلنی و گسترده ارگان‌های انقلابی و دمکراتیک پایان دادند، اما علیرغم توطئه‌های مکرر و اقدامات سرکوبگرانه و تحمیل جنگ‌های خونین، با سازماندهی نیمه هلنی و مخفی فعالین سازمان، شوراهای اتحادیه‌های دهقانی به شیوه و هرصه نوینی از مبارزات عدالتخواهانه خویش گام نهادند و با اتکاب تجارب خونین خود باهوشیاری تمام توطئه‌های زمینداران و ارتجاع حاکم را به شکست کشانیدند.

به دنبال اقدامات سرکوبگرانه رژیم فقا جمعی از فعالین منطقه به زندان‌ها افتادند و یا تبعید گردیدند و تعداد زیادی به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. رژیم خمینی در سالهای اخیر برای به شکست کشانیدن مبارزات شورایی زحمتکشان و در جهت استقرار نهادهای ارتجاعی و ضد مردمی، توطئه‌های رنگارنگی را به اجرا در می‌آورد. زمینداران و سرمایه‌داران آزمند در انتظار تضعیف و تلاشی شوراهای صف متحد دهقان به سر می‌برند. پس از ده سال کشمکش و مبارزات خونین، هنوز هم هیچگونه قانونی از طرف رژیم برای واگذاری دائمی زمین‌ها به کسانی که بر روی آن کار می‌کنند به اجرا در نیامده است. رژیم خمینی خواسته‌های اصلی و اساسی دهقانان را با توجیهاتی از قبیل "مصلحت اسلام و رژیم" و غیره به باد فراموشی سپرده است. استراتژی رژیم فقا دفع زمان، تضعیف و تلاشی پیوند شوراهای زحمتکشان و در نهایت برگرداندن زمینها به ملاکین و قاصبین سابق می‌باشد.

خلق ترکمن و زحمتکشان منطقه که برای زمین و آزادی و تحقق مطالبات ملی و فرهنگی و تامین حق تعیین سرنوشت تجربه سرشاری را پشت سر دارند و در این راه فرزندان دلاور و راستینی را از دست داده‌اند با تکیه بر دستاوردهای وحدت‌بخش مبارزات شورایی و بهره‌گیری از شیوه‌ها و اشکال متنوع و منطبق بر شرایط کنونی منطقه، همچنان مبارزات حق طلبانه، دمکراتیک و عادلانه خود را ادامه خواهند داد.

دويت سالگی فتح باستيل

انقلاب فرانسه، سرآغاز عصری جدید

امسال انقلاب فرانسه دویست ساله می شود. از زندان مخوف باستیل پاریس که پادشاهان، مردم آزاداندیش را در آن به بند می کشیدند، همانقدر مانده است که از بساط سلطنت نامی در تاریخ با گذشت دویست سال از آن روزهای توفانی که خلق فرانسه، نخستین جمهوری خود را برپا کرد، هنوز راه "انقلاب مردم کوچه و بازار" الهام بخش پیکارگران برای آزادی است. "آزادی، برابری، برادری!" این طنین سترگ آرمان بشر دوستانه فاتحان باستیل، هنوز به گوش می رسد. هنوز تا آزادی، برابری، برادری کامل، راهی طولانی در پیش است. اما عصری که با سال ۱۷۸۹ آغاز شد، جهان را دگرگون کرد. مردم امروز، سعادتمندتر از دیروزند، و مردم

فردا، سعادتمندتر از امروز. نهادن ارث بعنوان مبنای حکومت امروز دیگر تقریباً در همه جای دنیا مسخره به نظر می رسد. دویست سال پیش، در هیچ کشوری چنین نبود. امروز همه حکومتها به جز موارد معدودی - می پذیرند که قدرت باید از اراده اکثریت برخیزد. دویست سال پیش مردم فرانسه برای تحمیل همین خواست قربانی ها دادند.

انقلاب فرانسه سرآغاز عصر جدید است. در این شماره، بخشهایی از سخنرانی پرفسور مانفرد کوسک از آلمان دموکراتیک در مورد انقلاب فرانسه را که در تاریخ ۸ اکتبر ۱۹۸۸ در یک گردهمایی علمی در فرانکفورت (آلمان) فدرال ایراد شده است می خوانیم:

□ □ □

انقلاب ۱۷۸۹ دارای اهمیتی مرکزی و محوری برای گذار از جامعه فئودالی - کاستی به جامعه مدرن مدنی است. البته نمی توان این تغییر صورتبندی را تنها به ۱۷۸۹ محدود کرد. تذکر این نکته، به معنای کاستن از اهمیت تاریخی انقلاب فرانسه نیست، بلکه بیشتر بدین منظور است که ویژگی نقطه عطف ۱۷۸۹ را بهتر دریابیم.

بطور تخمینی، کنار زدن نظم فئودالی - کاستی و سایر مناسبات ماقبل بورژوازی، دوره ای معادل بیش از سه قرن را در بر می گیرد، دوره ای که از اوایل قرن شانزدهم تا اواسط قرن نوزدهم بطول انجامید. در اینجا در نقطه اول سخن از اروپا، بخشهای بزرگی از آمریکای شمالی و جنوبی و نیز ژاپن است، این دگرگونی نتیجه سه روند است:

۱- تحول اقتصادی - ساختاری، همراه با مراحل مختلف آزاد سازی شیوه تولید سرمایه داری، از سرمایه داری اولیه تا دوره مانوفاکتوری و تا گسترش کامل انقلاب صنعتی.

۲- تحول سیاسی - اجتماعی، که ظهور بورژوازی و شکل گیری آن بعنوان طبقه ملی در نتیجه یک دوره از انقلاب، می تواند بعنوان روند مرکزی آن محسوب شود، و البته یگانه نمود آن نیست.

۳- تجدد فکری - فرهنگی تحت تاثیر ارزشهای مدنی - فردی، که ریشه های آن به رنسانس باز می گردد. این تجدد خواهی پس از رنسانس در فلسفه قرن شانزدهم بازتاب یافت در فرانسه و ادبیات دوره روشنگری (به ویژه فرانسه) به نخستین نقطه اوج خود رسید و در فلسفه کلاسیک کانت تا هگل، به بالاترین درجه ارتقا یافت.

بر این سه روند می توان یک جنبه چهارم هم افزود: پیدایی دولت امروزی، که چارچوب نهادی آن، ابزارهای مهمی برهلیه یا برله روندهای دگرگونی که در دستور بود را شامل می شد.

برای آنکه طبقه بندی نوع شناسانه و تاریخی یک انقلاب - از جمله انقلاب ۱۷۸۹ - معناییابد، باید در مورد دو جنبه مهم، روشنی وجود داشته باشد: اولاً در این باره که انقلاب نه تنها جایگزینی یک نظام اجتماعی به جای دیگری را رقم می زند، بلکه همچنین می تواند ابزار ادامه تثبیت یک نظام سیاسی - اجتماعی که قبلاً تحکیم شده است، باشد. ثانیاً باید میان انقلاب به مفهوم خاص و انقلاب به مفهوم عام آن تفاوت قائل شد. مفهوم اول، شامل لحظه تاریخی نسبتاً کوتاه حل مسئله قدرت (تثبیت طبقه یا قشر جدیدی در قدرت) و مفهوم دوم در برگیرنده روند بسیار طولانی تر تحکیم و گسترش نظام جدید (تأمین ساختار آن) است. این دو مفهوم، در موارد بسیاری بطور معشوش بکار گرفته می شوند و تفاوت میان آنها نادیده می ماند.

جایگاه ویژه انقلاب ۱۷۸۹

آنچه به انقلاب فرانسه در مجموعه انقلابات عصر جدید - بم انقلابات پیروزمند و هم انقلابات شکست خورده، که البته این دسته دوم اغلب بنادرستی فراموش می شوند، در حالیکه اکثریت را تشکیل می دهند - جایگاه ویژه ای می دهد، می توان بدینگونه جمع بندی شود:

۱- انقلاب فرانسه، در دوره انقلابات عصر جدید، نقطه اوج و نقطه عطف محسوب می شود. انقلاب فرانسه، به همراه انقلاب صنعتی در انگلیس، مبنای انقلاب درگانه ای را تشکیل می دهد که در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ روی داد و به رهگشایی نهایی جامعه مدنی انجامید.

۲- انقلاب فرانسه، تنها انقلابی بود که نه به یک سازش اجتماعی و سیاسی با قدرت حاکمه پیشین، بلکه به تحکیم حکومت "خالص" بورژوازی انجامید...

۳- نقش اهرم وار ویژه انقلاب فرانسه در مقابل رژیم پیشین، نتیجه نیروهای محرکه "بلوک انقلابی" بود بلوکی که در معیاس با سایر انقلابات

منافع بخشهای سیاسی اجتماعی مختلف اپوزیسیون ضد فئودالی و ضد خودکامگی را بسیار نیرومندتر بهم پیوند می داد. شرط اصلی چنین اشتراک منافع، در انطباق حداقل موقت منافع طبقاتی و سیاسی بورژوازی با منافع کل ملت بود. این انطباق موقت - تاکید می کنیم: موقت - منافع و آرمانها، جوهر "توهم حماسی" در انقلاب بزرگ فرانسوی هاراشکیل می داد. منافع بورژوازی، به همان میزان که منافع ملی و فراتر از آن، حکم کلی آزادیخواهی بشریت را بازتاب می دادند، دارای اثر بخشی تاریخی شدند...

۴- نقش مستقل و موثر جنبش توده ای دهقانان و تنگدستان شهری، نه تنها بعنوان نیروئی خودبخودی و انفجاری، بلکه بعنوان نیروئی با وزن مستقل سازمانی و دعوی برنامه ای... انقلاب بورژوازی، چیزی بیش از یک انقلاب بورژوازی یا انقلابی برای بورژوازی است، و از چارچوب منافع بورژوازی، که همزبانی را اعمال می کند، بسیار فراتر می رود...

۵- نوع رویارویی انقلاب و ضدانقلاب - داخلی و خارجی - در انقلاب فرانسه نیز از مشخصات ویژه انقلاب ۱۷۸۹ است.

۶- اهمیت تاریخی یک انقلاب، از جمله در تاثیر آن در خارج از مرزهای دایره عمل منطقه ای آن است. از این لحاظ نیز دارای جایگاه ویژه ای است که کیفیت تحول آور آن را مشخص می کند... انقلاب فرانسه علاوه بر جنبه ملی و فرانسوی آن، یک انقلاب قاره ای (اروپایی) بود، آن هم حتی پیش از اینکه ارتش آن از مرزها بگذرد. انقلاب فرانسه، همچنین به یک انقلاب جهانی تبدیل شد، نه تنها از لحاظ ذهنی و در رابطه با خواسته های عموم بشری آزادیخواهانهاش، بلکه همچنین به لحاظ عملی و از طریق گسترش به خارج از اروپا، که نمونه آن، جنبش استقلال آمریکای مرکزی و جنوبی، و در ارتباط با آن، تلاشی نظام سنتی استعماری،

انقلاب و تغییر صورتبندی

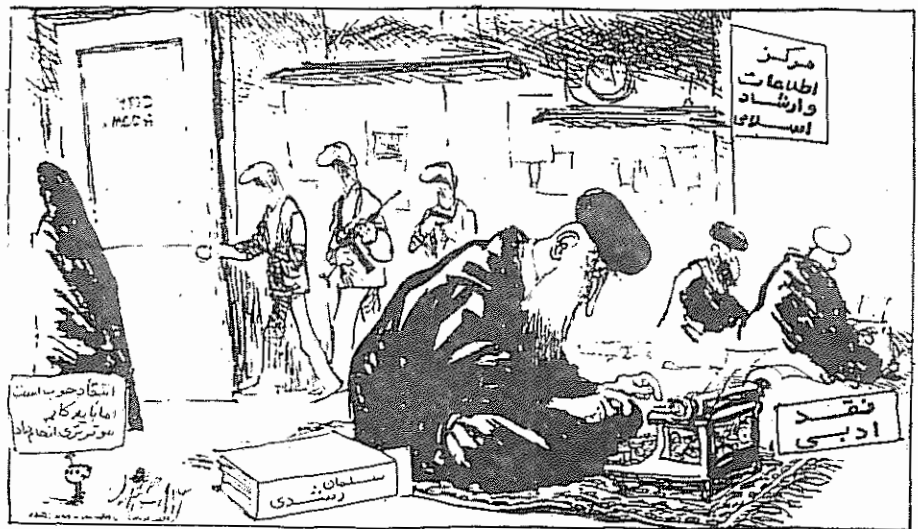
این تعمیم افقی (جغرافیایی) بایک تعمیم عمودی همراه بود. هیچ عرصه زندگی اجتماعی، از تاثیر انقلاب فرانسه محصون نماند: از مفهوم مالکیت بورژوازی گرفته تا اندیشه های سیاسی راهنمای جدید دوران، ساختارهای نهادی و حقوقی جامعه مدنی و دگرگونی هادر جهان بینی فلسفی و تاریخی و معیارهای زیبایی شناسی در ادبیات، موسیقی، هنرهای زیبا، که شامل فانتزی اتوپیک معماری انقلاب نیز بود. عصر بورژوازی شکل گرفت.

در نتیجه انقلاب ۱۷۸۹، رابطه انقلاب و دگرگونی اجتماعی، کیفیت جدیدی یافت. با انقلاب فرانسه، جامعه بورژوازی بر انزوای منطقه ای (هلند)، جزیره ای (انگلیس) و حاشیه ای (ایالات متحده) فائق آمد.

تحولات بعدی، نشان داد که انقلابات تنها به نوع انقلاب ۱۷۸۹ که می توان آن را "انقلاب در فئودالیسم علیه فئودالیسم" توصیف کرد، محدود نمی شود. در مورد آلمان، در سال ۱۸۴۸ انقلاب تحت شرایط ضعف یک نظام کهنه کاستی صورت گرفت که تا حد زیادی بر اثر اصلاحات، بقیه در صفحه ۱۴

انتقاد اسلامی

کاریگاتور از نشریه گاردین ویکی



کیمیان

دوشنبه ۲۶ دی ۱۳۶۷

کارمندی با پریدن از طبقه نهم
اداره‌اش خودکشی کرد

یکی از کارمندان شرکت مخابرات روز شنبه با پریدن از طبقه ششم ساختمان شماره دو مخابرات واقع در میدان خندان اقدام به خودکشی کرد.

وی ۵۲ ساله و «مصد» نام داشت و راتنه اداره مخابرات کابل شرکت مخابرات بود که روز شنبه پس از اتمام ساعت کار اداری از پهل کارش واقع در طبقه نهم ساختمان شماره دو مخابرات به طبقه ششم می‌آید و پس از پلکان خود را به پائین پرتاب می‌کند.

یکی از همکاران نامبرده پیرامون چگونگی این حادثه دلشراش به خبرنگار ما گفت: «مصد» در روز حادثه از درماندگی و فقر شکایت می‌کرد و مشاغل راتنه‌کاران مواظب وی بود که پلانی بر سر خود نیاورد. ولسی‌نامبرده در یک فرصت از محل کارش واقع در طبقه نهم به طبقه ششم می‌آید و از آنجا خود را به پائین پرتاب می‌کند.

همین گزارش حاکیست: وضعیت نامبرده از جیبوی کشف شد که در آن به ۲۰۰ هزار تومان بپنی و این که حشر یک ماه پیش برائی بیاری فوت کرده آثارشده است. در این وضعیت آمده است: شکام تصویرمی‌کنند که من برای درمان حشر اشمای نکردم و یا هشتادین سرفها از بیهامی خجالت می‌کنیم...

کی به کیه؟!

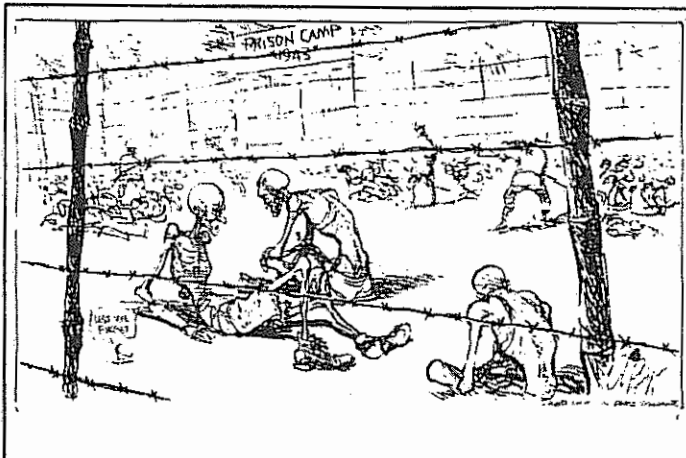
«وزارت اطلاعات... بازوی وزارت کشور است.»

اینها سخنان آخوندقلدری بنام محتشمی است که در جمهوری اسلامی وزیر کشور است و برای خودش مافیایی از کمیته‌چی‌ها و قداره بندها درست کرده است. این حاج آقا هم دیگر سری در سرها دارد و خودش یک پا جناح است!

در حاشیه مرگ هیرو هیتو

جنازه مفصل هیرو هیتو چاپ کرده است. روی تابلوی بالا، نوشته است: اردوگاه اسرا - ۱۹۴۳ (منظور اردوگاههایی است که متجاوزان ژاپنی اسرای خود را در آن نگهداری می‌کردند). یکی از زندانیان به دیگری می‌گوید: «می‌دانی بلافاصله پس از جنگ می‌خواهم کجا بروم؟ به تشییع جنازه هیرو هیتو».

هیرو هیتو امپراتور ژاپن اخیرا درگذشت. وی در زمان جنگ جهانی دوم نیز امپراتور بود. و هلیرشم فجایع میلناریسم ژاپن، پس از جنگ نیز با موافقت آمریکا در این سمت باقی ماند تا امپریالیسم ژاپن نهادهای سنتی نظام حکومتی خود را حفظ کند. روزنامه گاردین چاپ انگلیس کاریگاتوری در رابطه با تشییع



امام خوش‌بو

زهرام‌مصطفوی، دختر خمینی، در مصاحبه با روزنامه آمریکایی واشینگتن پست، گفته است که پدرش روزی ۷۰۰ دلار به خود دادکلن می‌زند. زهرام‌مصطفوی می‌گوید: اتاق پدرش همیشه «بو بهشت» می‌دهد. دختر خمینی همچنین گفته است که «آقا» آنقدر بهداشتی است که نان را هم با قاشق می‌خورد.

بوئینگ

و کار دقیق

هواپیما سازی

اخیرا در بریتانیا یک هواپیمای بوئینگ به علت آتش گرفتن یک موتور آن، مجبور به فرود اجباری شد که به کشته شدن شمار زیادی از مسافران آن انجامید. تامدتی، کارشناسان نمی‌دانستند چرا با اینکه یک موتور هواپیما آتش گرفته بود، خلبان، موتور دیگر را هم خاموش کرده است. بلاخره، تحقیقات، پاسخ به این سؤال را روشن کرد: هلاطم الکتریکی در صفحه جلوی خلبان، به علت عوض شدن جهت چپ و راست در نصب آن به خلبان خبر نادرستی در مورد اینکه کدام موتور آن آتش گرفته است، داده بود. در نتیجه، خلبان، موتور سالم را هم خاموش کرد!

پیشنهاد به پینوشه

پینوشه، که بعد از رای منفی مردم شیلی گفته بود «مسیح را هم مردم درک نکردند»، اخیرا افاضات تازه‌تری از خود بروز داده است. دیکتاتور شیلی گفته است که اپوزیسیون در فراندوم «تقلب» کرده و با «میلیون‌ها دلار پول خارجی» فراندوم را برده است. لابد فکر می‌کنید منظور پینوشه از «پول خارجی» همان «روبل» بوده است؟ اما نه، اشتباه می‌کنید! تجارب «موفق» خمینی به پینوشه یاد داده است که باید «ضامپریالیست» باشد: او از آمریکا، هلند، آلمان غربی، فرانسه و سایر کشورهای غربی به عنوان منبع این «کمک خارجی» اسم برده است. پینوشه همچنین گفته است حزب سوسیالیست چپ شیلی که اخیرا بطور قانونی اعلام موجودیت کرد، پوششی برای حزب کمونیست است و اگر چپ‌ها بیش از این او را هصبانی کنند، مجبور است مثل سال ۱۹۷۳ آنها را «جارو» کند! پینوشه تاکید کرده است پس از اتمام دوره ریاست جمهوری خود هم، در مقام فرمانده کل نیروهای مسلح شیلی، با «توپ آماده شلیک» بر سیاست این کشور نظارت خواهد کرد!

اگر پینوشه اینقدر به قدرت دل بسته است، یک پیشنهاد بدیع به او این است که از خمینی یاد بگیرد و اگر دیگر نتوانست رئیس جمهور بهمانند، لائول ولایت فقیه را برای خود نگه دارد، تا کسی دست از پا خطا نکند!

مصاحبه‌ای با سلمان رشدی من کتاب خود را برای آخوندها ننوشته‌ام

بتیّه از صمّه ۸

تقریباً همه افرادی که تا این حد احساس امانت و تحریک و بی‌زاری می‌کنند، کتاب را در واقع نخوانده‌اند. اما من هر روز از مسلمانانی که به این کتاب علاقه‌مندند، نامه دریافت می‌کنم. آنها به من نامه می‌نویسند تا بگویند همه مسلمانان مثل آنها نیستند که کتاب می‌سوزانند. آنها می‌گویند که از آنچه ائمه می‌کنند، شرمگینند، و می‌گویند این رهبران مذهبی با رفتاری تا این حد غیر متعادلانه، مایه ننگ جامعه مسلمانان این کشور شده‌اند. بنابر این، این ادعا که آنچه من می‌گویم، به گونه‌ای تعرض به اسلام است، مورد مخالفت من است. من اصل و نسب اسلامی دارم، و در خانواده من در شبه قاره هند، آمادگی مطلق برای بحث درباره همه چیز وجود داشت. از این موضوعات ممنوعه و قواعدی که نمی‌توان درباره آن سخن گفت، خبری نبود. من هم از اسلام اطلاع دارم. اسلام این متعصب‌ها، تنها نوع اسلام نیست.

شماره اول بعنوان یک نویسنده جهانی - و گاه شاید هندی، پاکستانی و یا بریتانیایی - شناخته شده‌اید. اما با این کتاب، به نظر می‌رسد شما تبدیل به یک نویسنده اسلامی شده‌اید.

هر کس هر یک از کتابهای مرا بخواند، می‌داند که نفوذ اسلام تا چه حد نیرومند بوده است. این امر که من خود را یک فرد مذهبی نمی‌دانم، به این معنی نیست که منکر اهمیت اسلام در زندگی خود هستم. اگر شما اهل هند یا پاکستان باشید، چگونه می‌توانید منکر تأثیر مذهب بر خود شوید؟ فضایی است که همه تنفس می‌کنند. اگر بگوئید در باره جهان بنویسید، نمی‌توانید مذهب را بسادگی نادیده بگیرید. شما باید به آن بپردازید، زیرا مذهب محور فرهنگ این کشورهاست.

در اساس، آنچه مخالفان را برانگیخته، موارد مشخص توهین نیست، بلکه نفخ ترديد است.

به نظر من، شک کردن، شرط اصلی انسان بودن در قرن بیستم است. یکی از تجارب ما در قرن بیستم، بعنوان نسل انسان، این است که چگونه اطمینان، خلل می‌پذیرد. امروز دیگر ما نمی‌توانیم در باره محیط پیرامون خود، دید ثابت و بلا تغییری داشته باشیم؛ می‌زی که پشت آن نشسته‌ایم، زمین زیر پایمان، قوانین علم، همه امروز در معرض تردیدند. هر چه ما می‌دانیم، نشان از شک دارد و نه اطمینان. و این است اساس آن نهضت بزرگ هنری که به مدرنیسم شهرت یافته است. حال اگر عناصر ارتدکس جهان اسلام، علیه مدرنیسم اعلام جهاد کرده‌اند، گناه من نیست. این اعلان جنگ، یک نظام نگرش به جهان را که به نظر من، مهم‌ترین سهم قرن بیستم در شکل دادن به نحوه بحث بشر درباره خود محسوب می‌شود، بی‌اعتبار نمی‌کند.

دو شعر از: گاریالورگا

نایبوسان

لحظه

او

مردم مانند در کوچه،

دشمنه در سینه.

هیچ که اش نمی‌شناخت.

فانوس، چه می‌لرزید!

مادر!

فانوس کوچک، چه می‌لرزید!

پگاه بود.

هیچ که نتوانست

بر چشمان باز او، در هوای سخت،

خم شود.

مردم، آری، او

مردم مانند در کوچه،

دشمنه در سینه،

و هیچ که اش نمی‌شناخت، هیچ که

چون بمیرم،

خاکم کنید با گیتارم

زیر میدان.

چون بمیرم،

میان نارنجستان‌ها

و بوته‌ی نمنا.

چون بمیرم،

خاکم کنید - اگر خواستید -

در یک بادنا.

چون بمیرم!

کمک‌های مالی رسیده

سوئد

از طرف سارا از اسپالا

پیر و از اسپالا

به یاد فدائی شهید محمود زنی‌یور

کادوئی تولید امیر

کمک اهدائی هواداران سازمان از بخش وستوس

به واحدهای فدائی داخل کشور

کمک مالی رفقای امثوبه رفقای داخل

کمک مالی رفقای گوتنبرگ به رفقای داخل

فرانسه

برای کمک به خانواده شهدای کشتار اخیر از فرانسه

مسعود از پاریس از فرانسه

پویا از فرانسه

توما از فرانسه

انوش از فرانسه

صلح از فرانسه

از شهر لیل فرانسه

Allien از پاریس از فرانسه

۱۰۰۰۰۰ کرون

۱۰۰۰۰۰ کرون

۵۰۰۰ کرون

۵۰۰۰ دلار + ۱۵۰۰۰ کرون

۲۵۰۰ کرون

۱۲۰۰ کرون

۱۳۵۰ کرون

۳۷۰ فرانک

۷۰ "

۴۳۰ "

۲۲۰ "

۸۰ "

۳۵۲ "

۵۶ "

۱۲۵۰ "

بقیه از صفحه آخر

اعلام وضع فوق العاده در افغانستان

کمک‌های نظامی اسلام آباد به ضدانقلاب افغانی نشده است. دولت افغانستان اکنون خواهان استقرار نیروی پاسدار صلح سازمان ملل در امتداد مرزهای دو کشور است. به گزارش خبرگزاری‌ها، اتحاد شوروی می‌کوشد در شورای امنیت قطعنامه‌ای به تصویب برسد که در آن، همه طرف‌های درگیر، به ویژه اپوزیسیون مسلح افغانستان، دعوت به بیشترین حد از خویشتن‌داری و تشکیل یک دولت ائتلافی گسترده در کابل شوند.

نیروهای دولتی افغانستان، یک حمله ضد انقلاب به شهر مرزی خوست در شرق این کشور را دفع کردند. این حمله با رهبری نظامیان پاکستانی صورت گرفت. فیلیکس ارماکورا، مامور ویژه کمیسسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد افغانستان اعلام کرد که وضعیت رعایت حقوق بشر در زندانهای افغانستان بهبود یافته است. وی در همین حال به موارد متعدد نقض حقوق بشر از سوی

شورشیان در کنوز، قندهار و ننگرهار علیه سربازان، کارمندان و خانواده‌های آنها اشاره کرد و افزود در این باره فیلمها و عکس‌هایی نیز وجود دارد که این موارد را اثبات می‌کند. احزاب سنی ضد انقلاب افغانستان که بدون شرکت گروه‌های طرفدار رژیم خمینی در شهر راولپندی پاکستان شورای خود را تشکیل دادند، نخست احمد شاه معاون رئیس "اتحاد اسلامی" را به عنوان "نخست‌وزیر دولت موقت" خود برگزیدند. محمد بنی‌محمدی، رهبر "حرکت انقلاب اسلامی" بعنوان "رئیس‌جمهور شورشیان" انتخاب شد. احمد شاه بنیادگرا و محمدی، "میانرو" به حساب می‌آید. "دولت" ضد انقلاب افغانستان ۳۵ وزیر (!) دارد. در میان ضدانقلابیون، احمد شاه به ویژه از آن رو با مخالفت گسترده روبرو است که از سالها پیش از پاکستان خارج نشده است. او سالها

بمب و سیم برای انفجار بمب انجامیده است. همچنین از ضدانقلابیون مواد سمی بدست آمده است.

نجیب‌الله رئیس‌جمهوری افغانستان در پیامی به ۱۲ کشور عضو بازار مشترک اروپا، چین، هند، کوبا و زیمبابوه و نیز سازمان‌های بین‌المللی، از آنها خواست که به حل سیاسی مسئله افغانستان کمک کنند. وی همچنین طی سخنانی تاکید کرد اعلام موقتی وضعیت فوق‌العاده، به معنای کنار گذاشتن سیاست مصالحه ملی نیست. نجیب‌الله افزود: "مصلحت‌تنها‌الترناتو واقع‌بینانه برای صلح و آرایش در افغانستان است". رئیس‌جمهور افغانستان از مردم این کشور خواست از آزادی و استقلال میهن خود دفاع کنند.

دولت آمریکا همچنان به کمک نظامی به ضدانقلابیون افغانی ادامه خواهد داد. این امر در هفته گذشته نیز از سوی هارلین فیتس‌واتر، سخنگوی کاخ سفید و جیمز بیکر وزیر خارجه ایالات متحده مورد تاکید قرار گرفت.

در آمریکا و عربستان سعودی سکونت داشته و با دربار سعودی رابطه نزدیکی دارد. اندکی پس از اعلام انتخاب احمد شاه به عنوان "نخست‌وزیر" ضدانقلاب، منابع نزدیک به اپوزیسیون افغانستان در پاکستان گفتند به علت مقاومت مخالفان احمد شاه، به ویژه سرکردگان دستجات مسلح داخل افغانستان، به احتمال زیاد گزینش احمد شاه مورد تجدیدنظر قرار خواهد گرفت برای حل اختلافات درونی ضدانقلاب، هفت حزب ائتلاف پیشاور یک کمیسیون ۱۴ نفری تشکیل داده‌اند. به گزارش رادیوی جمهوری اسلامی در این کمیسیون صیف‌الله مجددی را به جای احمد شاه به نخست‌وزیری انتخاب کرد.

رادیو کابل گزارش داد. عملیات تجسسی موفقیت‌آمیزی در شهر کابل، به کشف مقادیر زیادی مواد منفجره و اسلحه، از جمله مین، بازو کا، مسلسل، تایمر

پوچ "مخالفت ورزید. برای اوراهی جز توسل به اخلاق و اندرز باقی نماند. آنچه فیر اخلاقی است، فیر سیاسی است... و بالاخره کار رو بسپیر به پرستش "هالترین موجود" رسید و سرنوشت، او را به جانب اندیشه ولتر کشاند: "اگر خدا وجود نداشت، می‌بایست اختراع می‌شد." این، سخنان خود رو بسپیر است.

رو بسپیر، انقلاب فرانسه را مرحله‌ای از راه جهان به سوی رهایی می‌دید: "جهان تغییر کرده است و بازم باید تغییر کند... نیمی از انقلاب جهانی صورت گرفته است، و نیمه دیگر باید تحقق یابد." به گفته رولف هوخ، هر دوره تاریخ، اهرام ثلاثه خود را می‌سازد. طبق این تعبیر، انقلاب فرانسه، بیش از همه اسلاف خود، فصل بزرگی از اندیشه اوتوپایی را نوشته است. نسل انقلاب فرانسه، با همه تناقض و چندپارچگی خود، نسلی بود که از پیکارها و قربانی‌هایش، آرزوهای آینده فراورید.

"آزادی، چیزی جز یک توهم پوچ نیست. اگر یک طبقه انسانی بتواند دیگری را بدون مجازات به گرسنگی بکشد، برابری چیزی جز یک توهم پوچ نیست اگر فنی با کمک انحصار، از حق تعیین زندگی و مرگ همون خود برخوردار باشد." این، نه یک متن چپ زمان ما، بلکه بخشی از "مانیفست برخاستگان" است که در ژوئن ۱۷۹۳ نوشته شد.

یک مورخ، باید به این پرسش پاسخ دهد: آیا انقلاب فرانسه، یک تصادف، یک انحراف تاسف‌آور تاریخ بود یا یک ضرورت، که میراث آن، برای مردم امروز و فردا نیز حقوقی طلب درنی‌بهرامه دارد؟

این امر نیز هست که این انقلاب در کلیت خود، بسیار از حد میانگین لیبرالیسم فزاینده رفت و از نقطه معینی، حتی علیه اکثریت بورژوازی به قدرت رسیده، به پیش برده شد. آیا این روند، یک انحراف و تخریب انقلاب بود و یا برعکس، ضرورتی عینی بود برای آنکه با دست بازیدن به قلمرو ناممکنات، ممکناتی که به لحاظ تاریخی تحقق پذیر بود، بطور دائمی تحکیم شود؟ این چارچوب شکنی بازتاب نهادی خود را در ژاکوبینیسم یافت. اما خود ژاکوبین‌ها، مرز آشکاری در برابر پیشروی انقلاب کشیدند. رد اکید دمکراسی مستقیم.

رابطه تنش‌آمیز هم‌مونی اجتماعی و هم‌مونی سیاسی بسیار سخت‌تر و متضادتر و در نهایت، فاجعه‌آمیزتر از سایر انقلابات، شکل گرفت که بطور مستقیم اعمال قدرت می‌کردند. تلاش برای قلبه "سرمایه‌داری دهقانی" بر "سرمایه‌داری بورژوازی" از سوی ژاکوبین‌ها، ناموفق ماند. این چیزی نبود جز شکست دمکراسی.

شخصیت رو بسپیر، نمونه‌ای است برای تلفیق ناپذیری خواسته‌ها و واقعیت، برای ناپایدار بودن اولویت ذهن بر آرایش عینی نیروهای طبقاتی، اندیشه و عمل رو بسپیر نشان می‌دهد که نیروی هم‌مون سیاسی، چگونه بطور فزاینده با تضاد میان اکثریت بورژوازی که از انقلاب روگردان است، و جنبش توده‌ای، روبرو می‌شود. یک مثال بیاوریم. رو بسپیر در بحث پیرامون قانون اساسی در سال ۱۷۹۳، "مدم تناسب فاحش اموال" را محکوم کرد، اما در همین حال با "برابری ثروت‌ها (بمثابه) یک توهم

دوستان سالگی فتح یا سبیل

انقلاب فرانسه، سرآغاز عصری جدید

بقیه از صفحه ۱۱

سست شده بود. این انقلاب، یک "انقلاب در راه به سوی سرمایه‌داری" بود و هدف از آن، به‌اتمام رساندن انقلابی - دمکراتیک دگرگونی اجتماعی بود که از طریق محافظه‌کارانه - فرمبستی آغاز شده بود. اما انقلاب همزمان فرانسه در سال ۱۸۴۸، بر زمینه یک نظام بورژوازی کاملاً تحکیم‌یافته صورت گرفت. درگیری نه علیه، بلکه درون سیستم جریان یافت: "انقلاب در سرمایه‌داری".

البته این الگوی کلی دگرگونی‌های انقلابی که تا زمان کمون معتبر است، در مرصه آن انقلاباتی که در محور آن، مسئله ملی یا استعماری قرار داشت، تغییرات مهمی می‌کند. هر چه از "محور مرکزی" انقلاب و نوع ۱۷۸۹ آن دورتر می‌شویم، پدیده‌های "فیرهادی" در روند انقلابات عصر جدید، بیشتر خود را نشان می‌دهند: بازتاب وحدت در تنوع.

یک واقعیت دیگر نیز برای خلصت و ابهاد نقطه مطلق ۱۷۸۹، اهمیت دارد: از ۱۷۸۹ به بعدش دگرگونی اجتماعی دیگر نه تنها از راه انقلاب، بلکه همچنین از راه اصلاحات امکان پذیر شد.

هم‌مونی و اتوپی

آنچه انقلاب فرانسه را در چارچوب دوره انقلابات عصر جدید بطور ویژه برجسته می‌کند،

پیروزی سیاسی انقلابیون السالوادور

در گفتگوهایی که در مکزیک صورت گرفت، نمایندگان جبهه رهایی‌بخش ملی فارابوندو مارتی و همه احزاب سیاسی السالوادور، سندی را امضا کردند که در آن، از پیشنهاد آتش‌بس انقلابیون، استقبال شده است. در این سند بر ضرورت برداشتن گام‌های بیشتری به سوی پایان دادن جنگ داخلی در السالوادور تأکید گردید. در مذاکرات مکزیک، همه سیزده حزب السالوادور، از جمله دمکرات مسیحی‌ها، حزب دست راستی آرنا و ائتلاف چپ اپوزیسیون شرکت داشتند و سند مشترک را امضا کردند. این سند از دولت السالوادور می‌خواهد که فوراً با انقلابیون این کشور در مورد پیشنهادهای جدید و تصدیق شده آنها وارد مذاکره شود.

طبق پیشنهاد جبهه فارابوندو مارتی، باید در السالوادور آتش‌بس برقرار شود و یک رئیس جمهور موقت و مستقل، انتخاب گردد. جبهه فارابوندو مارتی پیشنهاد کرده است پس از پایان جنگ مسلحانه وارد زندگی سیاسی رسمی کشور شده، چهار ماه پس از برقراری آرامش در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند. در پیشنهاد جبهه فارابوندو مارتی آمده است جنگ مسلحانه زمانی می‌تواند پایان یابد که

مسئولان جنایات علیه مردم مجازات شوند و دستگاه امنیتی رژیم دوارته منحل شود. جبهه فارابوندو مارتی اعلام کرده است موجودیت ارتشی را که در خدمت دمکراسی و دفاع از حاکمیت ملی باشد، به رسمیت خواهد شناخت. طبق این پیشنهاد، شمار افراد ارتش باید از ۵۵ هزار به ۱۲ هزار نفر کاهش یابد. این پیشنهاد می‌افزاید برای تحقق این موارد، باید سه کمیسیون تشکیل شوند و کار خود را تا ۱۹ مارس، موعد پیش‌بینی شده از سوی رژیم برای انتخابات ریاست جمهوری پایان دهند. موضوع کار این کمیسیون‌ها باید آتش‌بس، اصلاح نظام انتخابات و هماهنگی نظارت بین المللی بر انتخابات باشد.

خورخه شفیق مندل، دبیر کل حزب کمونیست و فرمانده نظامی جبهه فارابوندو مارتی السالوادور، همچنان بر ضرورت به تصویب افتادن انتخابات از ماه مارس به ماه سپتامبر تأکید کرد. هکس، چهار تن از فرماندهان جبهه فارابوندو مارتی، از جمله مندل (نفر دوم از سمت راست) را در مکزیک در جریان مذاکرات با نمایندگان احزاب سیاسی السالوادور نشان می‌دهد.



تغییر قانون اساسی مجارستان

بنا به پیشنهاد کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگران مجارستان، قرار است در طرح قانون اساسی جدید این کشور تأکید بر نقش رهبری این حزب در مجارستان حذف شود. رهبری حزب اعلام کرده است که از این پس، کمونیست‌های مجارستان باید با ارائه برنامه‌ای قانع کننده، نقش رهبری را حفظ و در رقابت با سایر احزاب، از آن دفاع کنند.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست‌های مجارستان، طرحی را تصویب کرد که به موجب آن، در قانون اساسی جدید، اصل برقراری نظام چندحزبی تثبیت خواهد شد. در همین حال، این طرح جلوگیری از شکل‌گیری گروه‌های ضدسوسیالیستی را پیش‌بینی می‌کند. رهبری حزب سوسیالیست کارگران

ادامه اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در آفریقای جنوبی

در نتیجه ادامه اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در آفریقای جنوبی، رژیم آپارتاید ناگزیر از آزاد کردن ۵۰ تن دیگر از زندانیانی شد که بدون حکم دادگاه در زندان به سر می‌برند. اعتصاب غذای زندانیان سیاسی که بیش از یک ماه است آغاز شده است ادامه دارد. شمار اعتصابیون به ۲۲۵ نفر می‌رسد. ۳۰ تن از زندانیان، در هفته قبل آزاد شده بودند.

۲۰ تن از زندانیان سیاسی شرکت کننده، در اعتصاب غذا، در روز دوشنبه هفته گذشته به بیمارستان انتقال یافتند. به گزارش وکلای مدافع و بستگان زندانیان، اعتصابیون بر این عقیده‌اند که ادامه اعتصاب می‌تواند به آزادی همه آنها بیانجامد.

مجارستان همچنین ارزیابی جدید از رویدادهای ۱۹۵۶ این کشور را مورد تصویب قرار داد. به موجب این ارزیابی، قیام ۱۹۵۶ را نمی‌توان یک قیام ضدانقلابی نامید، بلکه این حرکت، یک جنبش توده‌ای برای کسب حقوق و آزادی‌های بیشتر در نظام سوسیالیسم بوده است که بعداً توسط ضد انقلاب مورد سوء استفاده قرار گرفته است.

ملاقات وزرای خارجه شوروی و اسرائیل

برای نخستین بار پس از گذشت بیش از ۲۰ سال، وزرای خارجه شوروی و اسرائیل دیدار و گفتگو کردند. دیدار ادوارد شوارندادزه و موشه آرنز در قاهره انجام گرفت. بدنبال این ملاقات، خبرگزاری‌ها گزارش دادند که مواضع طرفین در مورد بحران خاور نزدیک همچنان متفاوت است و اختلافات، حل نشده است.

دیدار وزرای خارجه شوروی و اسرائیل، در چارچوب ابتکار صلح جدید اتحاد شوروی تحقق پذیرفت. شوارندادزه بدنبال سفر به دمشق و امان، و ملاقات با حافظ اسد و ملک حسین، به قاهره رفت و در پایتخت مصر با مقامات این کشور و نیز یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین نیز به گفتگو پرداخت. عرفات پس از این دیدار به اسرائیل پیشنهاد کرد که ساف و دولت اسرائیل در مسکو مذاکرات دوجانبه خود را آغاز کنند.

دولت اسرائیل همچنان در برابر مذاکره با سازمان آزادیبخش فلسطین مقاومت میکند. با این حال شوارندادزه پس از ملاقات با آرنز اعلام کرد که صرف انجام این دیدار، یک پیشرفت است.

از میان سایر رویدادها

* دولت لهستان اعلام کرد در "مذاکرات پشت میزگرد" با شرکت همه نیروهای سیاسی و اجتماعی این کشور، پیشرفتهایی حاصل شده است. سخنگوی دولت لهستان گفت توافق در مورد برگزاری انتخابات دمکراتیک، پلورالیسم سندیکایی و قانونی شدن مجدد اتحادیه همبستگی، قابل حصول تر شده است.

* عراق، مصر، اردن و یمن شمالی یک "بازار مشترک عربی" تشکیل دادند. این دومین اتحادیه اقتصادی در جهان عرب است که در این ماه تشکیل می‌شود. پیش از این، لیبی، الجزایر، تونس، مراکش و موریتانی نیز اتحادیه مشابهی تشکیل دادند.

* جرج بوش رئیس جمهور آمریکا یک دیدار دوروزه از چین به عمل آورد. به گزارش خبرگزاری‌ها، دیدار قریب الوقوع رهبران چین و شوروی و مسائل افغانستان و کامبوج در دستور مذاکرات بوش در چین قرار داشت.

در دهمین سالگرد مبارزات شورایی زحمتکشان ترکمن صحرا

یاد تو ماج و همر زمان گرامی باد!

به صف راهپیمایی زحمتکشان ترکمن در گنبد (در روز ۱۹ بهمن)، رفته شدند. در سالگشت این ترور بیشرمانه، مقام‌های از نظریه کار (شماره ۶۰) را درج می‌کنیم که به‌طور فشرده چگونگی شکل‌گیری و کارکرد شوراهای زحمتکشان ترکمن صحرا را تشریح می‌کند؛ شوراهایی که برای پایه‌گذاری آنها رفقا تو ماج، مختوم، واحدی و جرجانی آن همه مبارزه کردند. بقیه در صفحه ۱۰

روز دوم اسفند ماه سال ۱۳۵۸ بود که مقامات رژیم جمهوری اسلامی خبر قتل چهار تن از رهبران خلق ترکمن را اعلام داشتند. شیرمحمد درخشنده تو ماج، عبدالحمید مختوم، طواق محمد واحدی و حسین جرجانی از پایه‌گذاران و هدایتگران شوراهای دهقانی ترکمن صحرا و از رهبران ستاد مرکزی شوراهای منطقه و کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن بودند. آنها یک روز پیش از حمله جانیکارانه پاسداران

اعلام وضع فوق‌العاده در افغانستان

سیاسی کمیته مرکزی ج. د. خ. ا. قرار گرفت تاکنون، محمدحسن شرقی، که یک شخصیت غیر حزبی است، نخست‌وزیری افغانستان را بر عهده داشت. علیرغم محول شدن وظایف جاری نخست‌وزیری به کشتمند، در کابل اعلام شد که ریاست کل شورای وزیران، بر عهده نجیب‌الله رئیس جمهور افغانستان خواهد بود. شورای امنیت سازمان ملل متحد، مذاکرات خود را در مورد شکایات مکرر دولت افغانستان درباره نقض قرارداد ژنو از سوی آمریکا و پاکستان، آغاز کرد. از هنگام امضای این قرارداد، دولت کابل ۲۱۳۲ مورد نقض آن را به گروه ناظران سازمان ملل متحد در افغانستان گزارش کرده است. طبق قرارداد ژنو، دولت پاکستان متعهد به عدم مداخله در امور افغانستان شده است. اما امضای این قرارداد مانع از ادامه بقیه در صفحه ۱۴

رهبری افغانستان، در این کشور وضع فوق‌العاده اعلام کرد. سخنگوی دولت افغانستان طی یک کنفرانس مطبوعاتی گفت این تصمیم به علت تحریکات ضدانقلاب و ادامه تحویل اسلحه به اپوزیسیون از سوی پاکستان و آمریکا صورت گرفته است. به گفته این سخنگو، مشی ایالات متحده و پاکستان، تعدیدی علیه حاکمیت افغانستان است. تحت شرایط فوق‌العاده، حقوق و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی افغانستان می‌تواند موقتاً معوق گردد.

همزمان با اعلام وضعیت فوق‌العاده، کابینه افغانستان نیز ترکیب دیگری یافت. از ۲۸ عضو کابینه، اکنون ۲۲ تن اعضای حزب دمکراتیک خلق افغانستان اند. پست ریاست کمیته اجرایی شورای وزیران، بر عهده سلطانعلی کشتمند، نخست‌وزیر اسبق افغانستان و عضو دفتر

رژیم فقها، خشن‌ترین شکل تبعیضات مذهبی را اعمال می‌کند

دریدگی سرگردگان رژیم جمهوری اسلامی است؛ رژیمی که رسماً و علناً ایرانیان غیرمسلمان را تبعه درجه دوم و حتی بسیاری از آنان را سزاوار قتل می‌داند. از آنچه که جمهوری اسلامی بر ایرانیان غیرمسلمان و حتی غیر شیعه روا داشته است، کمتر کسی است که نمونه‌های بسیاری ندیده و یا نشنیده باشد. رژیم ولایت فقیه بر اساس باورهای قرون وسطایی و شریعات، انسانها را بر مبنای اعتقادات مذهبی دسته‌بندی می‌کند و نابرابر می‌شمارد، جز آن هم نمی‌توانست و نمی‌تواند بکند.

در روزهای شانزدهم و هفدهم بهمن ماه در هتل استقلال تهران از سوی ارگان‌های دولتی جمهوری اسلامی مراسمی برپا شد که عنوان آن "کنگره حقوق اقلیت‌های دینی در ایران" بود. سخنرانان این کنگره - که بسیاری از آنها از مقامات دولتی بودند - یک به یک پشت تریبون سخنرانی رفتند و از آن همه مواهبی که رژیم جمهوری اسلامی به ایرانیان غیرمسلمان اعطا کرده است، قدر دانی نمودند. آنها اعلام داشتند که در جمهوری اسلامی در پناه "اسلام ناب محمدی" پیروان دیگر فرق



جمهوری اسلامی ایران
نخستین وزیر
به تالی

شماره ۸۲۶۱۸
تاریخ ۱۳۶۷/۱۸/۲۱
پرست

بختیار، به کابل، و باوخته‌ها، سازمان، نهادها، تانهای دولتی و اسنادداران سراسر کشور.

مألفانه شنیده شده است که کادی نسبتاً غیرمستقر، اجتهادهای شخصی باعث گردیده که در برخی از مناطق و شهرها این اصل نادیده گرفته شود و در رأی‌گیری‌های انتخاباتی، سنی، با خیمه بودن افراد - مؤثر واقع شده و با آنکه با نصیر برای غرض از سیاست‌های دولت، در پیروان آن گردیده‌اند، گزارش‌های رسیده به اینجانب حاکیست که در برخی مناطق احزاب "آدل حق" نسبتاً از بدویش در بنیادها و ادارات متبع شده‌اند، بلکه حتی ناسف‌بارتر از آن اینکه، تکیه محصل آخان گرفته شده‌است.

در حسین موسوی
نخستین وزیر
۹۷/۱۸/۱۹

برای آوردن یک نمونه کلیشه بخشی از بخشنامه مورخه ۳۶ آبان ۶۷ نخست‌وزیری به مسئولین ارگانهای دولتی را در این صفحه می‌آوریم که طی آن نخست‌وزیر رژیم فقها به خشن‌ترین شکل اعمال تبعیض حتی علیه پیروان فرق مسلمان - تا حد ممانعت از تحصیل - اعتراف می‌کند. این سند خود به تنهایی گویاست که در رژیم جمهوری اسلامی علیه پیروان مذاهب دیگر چه تبعیضاتی اعمال می‌شود.

مذهبی از چنان حقوق گسترده‌ای برخوردارند که در هیچ جای جهان به گستردگی آن نیست. در پایان کنگره قطعنامه‌ای صادر شد که طی آن شرکت‌کنندگان مسیحی و کلیمی و زرتشتی پیروی خود را از رهبر مذهبی امام اعلام داشتند. برپایی نمایش "کنگره حقوق اقلیت‌ها..." در تهران برای اقلیت‌های مذهبی البته که هیچ بهره‌ای ندارد، اما چه نفس‌برپایی آن و چه لاطاللاتی که در آن گفته شد، نشان‌دهنده اوج وقاحت و

AKSARIYAT NO. 247 MONDAY, 27 FEB	آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY
حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG (BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT) NR. 02910701.650 DR. GERTRAUD ARTNER	با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید